



نوشتاری مختصر و مفید

درباره سیرت نبی مصطفی ﷺ

واوصاف زیبایش



بمقام بنده‌ی نیازمند به عفو پروردگارش

هیثم بن محمد سرحان

مدرس سابق مرکز آموزشی حرم نبوی

وناظر سایت التأصيل العلمي

<http://www.alsarhaan.com>



الطبعة الأولى
جميع الحقوق محفوظة
إلا من أراد طبعه أو ترجمته لتوزيعه مجّاناً بعد مراجعة المؤلف

الرجاء التواصل على:

islamtorrent@gmail.com

فسح وزارة الإعلام

مقدمة الكتاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و ستایش، و بیایید ای الله است؛ او را حمد می‌گوییم و تمجید می‌کنیم و از او یاری می‌خواهیم و درخواست بخشش داریم؛ از بدی‌ها نفسمان و کارهای بدمان، به الله پناه می‌بریم؛ هر آن کس را که الله هدایتش کند، هیچ کس توان گمراه کردنش را ندارد و هر آن کس را که الله گمراهش نماید، هیچکس نمی‌توان هدایتش نماید. گواهی می‌دهم که معبود برحق و شایسته‌ای جز الله وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ، بنده و فرستاده‌ی اوست؛ الله تعالی در کتاب راستینش فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران] ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله پروا کنید؛ آن گونه که شایسته‌ی پروا کردن از اوست و فقط مسلمان و فرمانبردار نمیرید.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [نساء] ترجمه: ای مردم! از پروردگارتان پروا داشته باشید؛ ذاتی که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده نمود و از الله پروا کنید که با او، از همدیگر درخواست می‌کنید و با خویشاوندان قطع ارتباط نکنید که الله، همواره بر شما نگهبان است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ [بصیرت] ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از الله پروا کنید و سخنی استوار بگویید. تا کارهای شما را به صلاح و درست گرداند و گناهانتان را ببخشد و هر کس از الله و فرستاده‌اش فرمانبرداری کند، قطعاً به رستگاری بزرگی دست می‌یابد.



أما بعد؛ کسی که اندک تلاش و اراده‌ای برای شناخت پیامبرش ﷺ و سیرت و رهنمودهای او دارد، از این عبارات ساده بی‌نیاز نیست. ابن قیم رحمه الله می‌گفت: «اگر سعادت انسان در دو دنیا، به رهنمودهای پیامبر ﷺ وابسته باشد، پس هر کسی خیرخواه خویش است و سعادت و نجات را می‌خواهد، باید باید با رهنمودها و سیرت و جایگاه وی آشنا گردد تا از بی‌خبران نباشد و جزو پیروانش گردد و برخی از مردم، خیلی کم به این بحث وارد می‌شوند، برخی زیاد و برخی از آن محرومند، و هر لطف و فضلی، در اختیار الله است؛ به هر کس بخواهد، عطا می‌فرماید؛ و الله، فضل بسیاری دارد».

از الله متعال می‌خواهم که به من و شما محبت پیامبرش را عنایت بفرماید و توفیقمان دهد که به دستوراتش عمل کنیم و از آنچه نهی نموده، دوری نماییم.





بجش نخست:

ﷺ

شكل و منش پیامبر



شکل ظاهری پی‌امبر ﷺ

نسب محمد ﷺ	وئ مُحَمَّدٌ ﷺ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلَبِ بْنِ هَاشِمٍ بْنِ عَبْدِ مَنْفٍ بْنِ قُصَيٍّ بْنِ كِلَابٍ بْنِ مُرَّةَ بْنِ كَعْبٍ بْنِ لُؤَيٍّ بْنِ غَالِبٍ بْنِ فِهْرِ بْنِ مَالِكٍ بْنِ النَّضْرِ بْنِ كِنَانَةَ بْنِ خُزَيْمَةَ بْنِ مُدْرِكَةَ بْنِ إِيَّاسٍ بْنِ مُضَرَ بْنِ نَزَارٍ بْنِ مَعَدٍّ بْنِ عَدْنَانَ، وَعَدْنَانُ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ الذَّبِيحِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ ﷺ است. نسب محمد ﷺ قطعاً بهترین نسب مردم است. در حدیث آمده است که هر قَلْ - پادشاه روم - به ابو سفیان رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ گفت: «سَأَلْتُكَ عَنْ نَسَبِهِ؟ فَذَكَرْتَ أَنَّهُ فِيكُمْ ذُو نَسَبٍ، فَكَذَلِكَ الرُّسُلُ تُبْعَثُ فِي نَسَبٍ قَوْمِهَا» از تو درباره‌ی نسبش پرسیدم؛ گفتمی در میان شما صاحب نسب و اصیل است؛ پیامبران همین گونه هستند؛ با نسب قوم خویش مبعوث می‌شوند.	
انتخاب پی‌امبر	رسول الله ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى كِنَانَةَ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ، وَاصْطَفَى قُرَيْشًا مِنْ كِنَانَةَ، وَاصْطَفَى مِنْ قُرَيْشٍ بَنِي هَاشِمٍ، وَاصْطَفَانِي مِنْ بَنِي هَاشِمٍ». الله تعالی، کنانه را از نسل اسماعیل، قریش را از کنانه و بنی هاشم را از قریش و من را نیز از بنی هاشم برگزید.	
نام‌های پی‌امبر ﷺ	تمامی این‌ها، و بی‌شمارگی هستند و علم محض نیست که برای معرفه کردن استفاده شود؛ بلکه اسمهایی هستند که از چند صفت گرفته شده‌اند؛ این صفت‌ها معنای مدح و کمال دارند؛ از آن جمله:	
	محمد	مشهورترین نام پیامبر ﷺ است که در تورات نیز به آن تصریح شده است. معنا: کسی که و بی‌شمارگی‌های ستودنی زیادی دارد.
	أحمد	یعنی: ستوده‌ترین آفریده‌ی الله، ساکنان زمین و آسمان و دنیا و آخرت، او را به خاطر خوبی‌های زیادش، می‌ستایند. مسیح عیسی علیه السلام وئ را با همین نام خواند.
	التَّوَكَّلُ	وئ در استوار نمودن دین الله، فقط بر الله توکل نمود نه بر کسی دیگر.



الله تعالى با او، كفر را محو نمود و كفر بدین گونه محو نگشته بود.	اثافي	نامهای پیامبر ﷺ
مردم با آمدن او، گرد می‌آیند؛ گویا آمده است تا مردم را گرد آورد.	الحاشر	
پیامبری بعد از او نیست و او خاتم پیامبران است.	العاقب	
کسی که در پی پیامبران پیشین آمد و الله، او را پس از پیامبران آورد.	المقفي	
الله با او، دروازه‌ی توبه را بر زمینیان گشود و توبه‌ی آنان را بخشید؛ آن گونه که چنان بخشید نشده بود؛ پیامبر ﷺ بیشتر از سایر مردم توبه و استغفار می‌نمود.	نبي التوبة	
برای جهاد با دشمنان الله فرستاده شد؛ هیچ پیامبر و امتی مانند رسول الله ﷺ و امتش، جهاد نکرده‌اند؛ نبردهایی که برایش رخ داد، بی‌سابقه بود.	نبي المحمة	
الله تعالى او را مایه‌ی رحمت و مهر برای جهانیان فرستاد؛ با او بر تمام زمینیان، رحم نمود؛ مؤمنان سهم بیشتر و وی ﷺ از رحمت و لطف او دارند و کافران و اهل کتاب، در زیر سایه و پیمان او زندگی می‌کنند.	نبي الرحمة	
الله تعالى، دروازه‌ی هدایت خویش را با او گشود؛ چشم‌های نابینا، گوش‌های ناشنوا و قلب‌های بی‌خبر را آگاه ساخت؛ الله با او، سرزمین‌های کافران را فتح نمود و دروازه‌های بهشت را گسود و راه‌های علم سودمند و کردار شایسته را باز فرمود.	الفتاح	



نام‌های پیامبر ﷺ	الْأَمِين	وئى براى اين اسم، شايسته‌ترين است؛ امانت‌دار وحى و دين الله است؛ امين ساکنان آسمان و زمين است؛ کافران قریش هم او را پيش از بعثتش امين ناميدند.
	البشير	بشارت‌دهنده‌ئى فرمانبردار الله به بهشت است و هشداردهنده‌ئى سرکشان او به دوزخ.
	وَلَدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ	پیامبر ﷺ فرمود: «أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا فَخْرَ» من سرور فرزندان آدم در روز رستاخیز هستم و این، مایه‌ئى فخر فروشى نیست.
	السَّراج المنير	آن کسى که بدون هیچ شعله‌اى، روشنائى مى‌بخشد.
چكى‌ده‌اى و بزرگى‌هاى از پیامبر ﷺ	او، بنده‌ئى الله است؛ عبودیت او، کاملاً و بینه‌ئى است؛ زیرا مراتب عبادت را کامل نمود.	
	کاملترین و بینه‌ئى گى پیامبر ﷺ همان است که خود را به آن توصیف نمود: «أَنَا مُحَمَّدٌ عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ، مَا أَحْبُّ أَنْ تَرْفَعُونِي فَوْقَ مَنْزِلَتِي الَّتِي أَنْزَلَنِي اللَّهُ بِكَرَّكَ» من محمد، بنده و فرستاده‌ئى الله هستم؛ نمى‌پسندم که مرا بالاتر از آن‌چه الله مرا فرستاده، بدانید.	
	پیامبر ﷺ خوش اخلاق‌ترین و زیباترین انسان بود؛ الله تعالى فرمود: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [قلم] ترجمه: و تو اخلاق باعظمتى داری. عائشة رَضِیَ اللهُ عَنْهَا مى‌گفت: «اخلاقش قرآن بود» به قرآن عمل مى‌نمود و حدودش را نگاه مى‌داشت؛ خشنودئى یا ناراحتئى اش، به خاطر الله بود.	
خليل الله	پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَنِي خَلِيلًا كَمَا اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» الله، مرا به‌عنوان خلیل برگزید؛ همان‌طور که ابراهیم را خلیل برگزید.	
بلد گرام‌اى اش	أنس بن مالك رَضِیَ اللهُ عَنْهُ مى‌گفت: «رسول الله ﷺ روشنترین رنگ را داشت. عرقش گویا مروارید بود؛ باصلايت راه مى‌رفت؛ دیبا و ابریشمى نرم‌تر از دست رسول الله ﷺ لمس نکرده‌ام، مشک و عنبرئى خوشبوتر از بوى رسول الله ﷺ حس نکرده‌ام».	



قامتش	براء بن عازب رضي الله عنه می گفت: «پیامبر ﷺ قامت متوسط داشت؛ میان دو کتفش، پهن بود، بلندی مویش، تا نرمی گوش می رسید، او را در لباسی قرمز که دیدم، هرگز چیزی زیباتر از او ندیده بودم».
چهره اش	کعب بن مالک رضي الله عنه می گفت: «باری بر رسول الله ﷺ سلام کردم و چهره اش از شادی می درخشید. هرگاه رسول الله ﷺ خوشحال می شد، چهره اش روشن می گشت؛ گویا تکه ای از ماه است. و ما به خوشحالی اش پی می بردیم» از براء رضي الله عنه پرسیدند: آیا چهره ی پیامبر ﷺ مانند شمشر بود؟ گفت: «خیر؛ بلکه همچون ماه بود».
مویش	أنس بن مالك رضي الله عنه می گفت: «دستان پیامبر ﷺ سستبر و ورزیده بود و چنان دستانی ندیده بودم؛ موهای پیامبر ﷺ صاف و بدون فر و نرم بود».
چشمانش	جابر بن سمرة رضي الله عنه می گفت: «رسول الله ﷺ دهانی گشاده داشت و در سپیدی چشمانش، کمی سرخی بود؛ پاشنه های ظریف و کم گوشت داشت»
عرقش	أنس بن مالك رضي الله عنه می گفت: «روزی پیامبر ﷺ نزدمان آمد و خواب قیلوله کرد؛ وی عرق نمود؛ مادرم با ظرفی آمد و عرقش را در آن جمع نمود؛ پس پیامبر ﷺ بیدار شد و فرمود: ای ام سلیم! چه می کنی؟ گفت: این عرق شماست که برای عطر استفاده می کنیم؛ چون خوشبوترین عطر است».
مهر نبوت	مُهر و نشان نبوت میان دو شانه ی پیامبر ﷺ برجسته بود. جابر بن سمرة رضي الله عنه می گفت: «مُهر نبوت را بر شانه اش دیدم که هم چون تخم کبوتر، در بدنش واضح بود».

و ظُرُگی های ظاهری پیامبر ﷺ





بزرگداشت اصحاب از او	عمرو بن العاص رضی الله عنه می گفت: «هیچ کس را بیشتر از رسول الله صلی الله علیه و آله دوست نداشتیم و کسی در نگاهم، از او بزرگوارتر نبود؛ به خاطر بزرگی اش، به او چشم ندوختیم؛ اگر از من بخواهند توصیفش کنم، نمی توانم؛ چون به خیره نشده ام». روز حدیبیه، عروه بن مسعود ثقفی در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله به قریش گفت: «به الله سوگند ندیده بودم که مردمی، پادشاهشان را گرامی بدارند، آن گونه که یاران محمد صلی الله علیه و آله و سلم، او را گرامی می دارند؛ به الله سوگند! اگر آب دهان یا بینی اش بر دست کسی می افتاد، آن را بر چهره و بدنش می کشید. اگر به آنان دستوری می داد، بی درنگ به آن می شتافتند، اگر وضو می گرفت، نزدیک بود برای رسیدن به آب وضویش بجنگند، وقتی سخن می گفت، صدایشان را در نزدش پایین می آوردند، نگاهشان را برای بزرگداشتش، به او خیره نمی کردند».
ادبش در رابطه با الله	عبد الله بن شخیخ رضی الله عنه می گفت: «گفتیم: تو سرور ما هستی؛ وی گفت: سید و سرور، الله تبارک و تعالی است؛ گفتیم: بهترین و بزرگوارترین ما هستی. فرمود: قُولُوا بِقَوْلِكُمْ - أَوْ بَعْضُ قَوْلِكُمْ -، وَلَا يَسْتَجِرِبَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ» چینی می گویی، ولی شیطان، شما را به بد گفتن نکشاند.
شجاعتش	علي رضی الله عنه می گفت: «وقتی نبرد دسوار می شد و جنگ تن به تن می گشت، به رسول الله صلی الله علیه و آله پناه می بردیم؛ او از همه ی ما به دشمن نزدیک تر بود».
ترسش از الله	پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أَمَّا وَاللَّهِ إِنِّي لَأَخْشَاكُمُ لِلَّهِ وَأَتَقَاكُمُ لَهُ» به الله سوگند، من من بیش از شما، از الله ترسان هستم و پروا دارم.
به خانواده خوبی کردنش	پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِيهِ، وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي» بهترین شما، بهترین برای خانواده اش است و من بهترین شما، برای خانواده ام هستم.





ویژگی‌های اخلاقی پی‌امبر ﷺ	شرم و حشای او	أبو سعيد خدری رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گفت: «رسول الله ﷺ بیش از زیارویی که در حجابش بود، شرم و حیا داشت؛ وقتی چیزی ناپسندی را می‌دید، از چهره‌اش متوجه می‌شدیم».
	آسان‌گیری	عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌گفت: «پیامبر ﷺ میان دو کار، آسان‌ترین را برمی‌گزید؛ البته اگر گناهی بر آن نبود؛ اگر آن کار گناه داشت، بسیار دور می‌شد».
	نهی‌کردن مجازات برای خودش،	عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌گفت: «به الله سوگند! هرگز به‌خاطر کسب چیزی به سود خود، نجنگید و انتقام نگرفت؛ تا حریم اله شکسته نشود؛ به‌خاطر الله جنگید و مجازات کرد».
	عیب از غذا	عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌گفت: «رسول الله ﷺ هرگز از غذا عیب نگرفت؛ اگر می‌خواست، می‌خورد و اگر دوست نداشت، نمی‌خورد».
	هدیه را می‌پذیرفت	عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌گفت: «رسول الله ﷺ هدیه را می‌پذیرفت و جبران می‌نمود».
	نهی خوردن صدقه	پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ آلَ مُحَمَّدٍ ﷺ لَا يَأْكُلُونَ الصَّدَقَةَ» خاندان محمد ﷺ، صدقه نمی‌خورند.
	تواضعش	عقبة بن عامر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گفت: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و با او سخن گفت؛ در حالی که پهلوهایش می‌لرزید؛ پیامبر ﷺ به او فرمود: «هُوَ عَلَىكَ؛ فَإِنِّي لَسْتُ بِمَلِكٍ، إِنَّمَا أَنَا ابْنُ أُمِّرَأَةٍ تَأْكُلُ الْقَدِيدَ» به خودت سخت نگیر؛ پادشاه که نیستم؛ فرزند زنی هستم که گوشت خشکیده می‌خورد.





خدمتش به خانواده	أسود بن يزيد رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می گفت: از عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا پرسیدم: پیامبر ﷺ در خانه چه می کرد؟ گفت: «در خدمت خانواده اش بود؛ وقت نماز که می شد، به نماز می رفت».
بای وجهی به افراد نادان	پیامبر ﷺ فرمود: «آیا تعجب نمی کنید که الله چگونه مرا از دشنام و لعنت قریش دور ساخت؟! مرا بسیار ناسزا می گویند و نکوهیده می خوانند؛ اما من ستوده هستم».
راستگویی او	عبد الله بن مسعود رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می گفت: رسول الله ﷺ صادقانه و تأیید شده با ما سخن می گفت.
فردی صبور و متواضع بود که از اصحاب بازشناخته نمی شد	أنس بن مالك رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می گفت: در مسجد نشسته بودیم که مردی با شتر وارد شد؛ شتر را در مسجد نشاند و بست؛ سپس گفت: کدامتان محمد است؟ رسول الله ﷺ در پشت سر تکیه زده بود. گفتیم: این مرد سپید که تکیه زده. آن مرد گفت: ای پسر عبد المطلب! رسول الله ﷺ گفت: «بفرما». مرد گفت: ای محمد! سؤالاتی از تو می پرسم؛ صریح پاسخم را بگو، رسول الله ﷺ فرمود: «هر چه می خواهی بپرس». مرد گفت: تو را به پروردگارت و پروردگار مردم پیش از تو سوگند می دهم؛ آیا الله تو را به سوئی تمام مردم فرستاده است؟ رسول الله ﷺ گفت: «یا الله! بله»، گفت: تو را به الله سوگند می دهم؛ آیا الله به تو فرمان داد که نمازهای پنجگانه را در شبانه روز به جا آوری؟ رسول الله ﷺ فرمود: «یا الله! بله» گفت: تو را به الله سوگند می دهم؛ آیا الله به تو فرمان داد که این ماه را روزه بگیری؟ رسول الله ﷺ فرمود: «یا الله! بله» گفت: تو را به الله سوگند می دهم؛ آیا الله به تو فرمان داد زکات را از ثروتمندان بگیری و میان مستمندان تقسیم کنی؟ رسول الله ﷺ فرمود: «یا الله! بله» مرد گفت: به تو و دعوت ایمان آوردم؛ من فرستاده ای گروهی از قوم خود هستم؛ ضمام بن ثعلبه برادر بنی سعد بن بکر.

ویژگی های اخلاقی پی امبر ﷺ





ویژگی‌های اخلاقی پیامبر ﷺ	خدمتکار اخلاقش با	أنس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گفت: «ده سال خدمت رسول الله ﷺ را کردم؛ به الله سوگند! هرگز به من اُف هم نگفت؛ اگر کاری کردم، نگفت که چرا چنین کردی و اگر کاری نکردم، نگفت که چرا چنین نکردی».
	خوراکش	عائشة رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌گفت: «خانواده‌ی محمد ﷺ تا پیش از فوت رسول الله ﷺ، دو روز پیاپی از نان جو سیر نخوردند».
	زهد در دنیا و زهد پی‌امبر	پیامبر ﷺ فرمود: دوست ندارم که دیناری در اختیار داشته باشم و زمان بر من بگذرد و آن را نزد خود نگه دارم؛ مگر برای پرداخت بدهی یا اینکه بگویم: آن را میان دیگران تقسیم کنند.
	دشنام نمی‌داد	عائشة رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌گفت: «پیامبر ﷺ ناسزاگو و بددهان نبود؛ در بازارها فریاد نمی‌زد و بدی را با بدی جواب نمی‌داد؛ بلکه می‌بخشید و گذشت می‌نمود».
	نکرد را لمس دست زن	عائشة رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌گفت: «دست رسول الله ﷺ هرگز دست هیچ زنی را لمس نکرد».
	خانه و زندگی	عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گفت: نزد رسول الله ﷺ رفتم؛ وی بر حصیری خوابیده بود؛ کنارش نشستم؛ اثر حصیر بر پهلویش بود؛ گنجه‌ی رسول الله ﷺ را دیدم که مشتی جو، حدود یک کیلو بود، همان مقدار هم دانه‌ی قَرظ (برای دباغی) در گوشه‌ی اتاقش وجود داشت؛ پوست دباغی نشده‌ای نیز در آن جا آویزان بود. به گریه افتادم؛ پیامبر ﷺ فرمود: «به‌خاطر چه گریه می‌کنی؛ ای پسر خطاب؟! گفتیم: ای پیامبر الله! چرا گریه نکنم در حالی که این حصیر، بر پهلویت اثر گذاشته، در گنجه‌ات همین است و قیصر و کسری در بوستان‌های پرمیوه و پرآب به‌سر می‌برند؛ تو رسول الله ﷺ و برگزیده‌ی او هستی؛ و گنجه‌ی تو این است؟! فرمود: «ای پسر خطاب! مگر دوست نداری دنیا مال آن‌ها باشد و آخرت مال ما؟» گفتم: آری.



آزمون اول

سؤال: درست نادرست

- ☐ ☐ * سعادت بنده در دو دنیا، به دانستن رهنمودهای پیامبر ﷺ بستگی دارد.
- ☐ ☐ * پیامبران با نسب قومشان فرستاده می شدند.
- ☐ ☐ * کامل ترین توصیف پیامبر ﷺ فرمایش خود اوست: «من محمد، بنده و فرستاده‌ی الله هستم.»
- ☐ ☐ * حریر و ابریشم، از دست پیامبر ﷺ نرم تر بود
- ☐ ☐ * الله تعالی بهترین اخلاق و نیکوترین رفتارها را در محمد ﷺ گرد آورد، برتری و علم و همه‌ی آنچه موجب سعادت و موفقیت در دو دنیاست، فقط به او عطا نمود.
- ☐ ☐ * پیامبر ﷺ سوادای نداشت؛ نه می خواند و نه می نوشت و هیچ معلمی نداشت

- ☐ * بهترین انسان از نظر نسب: یونس بن متی ﷺ ☐ محمد بن عبد الله ﷺ
- ☐ * نام های پیامبر ﷺ: ☐ همگی توصیف اوست ☐ فقط علم و برای معرفی هستند
- ☐ * برگرفته از وی ☐ گاهی است که به معنای مدح و کمال است ☐ همه موارد ☐ ۱ و ۳
- ☐ * «اخلاقش، قرآن بود» یعنی: ☐ رضایتش به خاطر الله بود ☐ ناراحتی اش به خاطر الله بود ☐ هر دو
- ☐ * خلیل الله کیست؟ ☐ ابراهیم ☐ محمد ﷺ ☐ هر دو
- ☐ * «رنگ رسول الله ﷺ درخشان ترین بود»: ☐ گندمگون ☐ سفید ☐ خیلی سفید
- ☐ * خوش بو ترین کدام است: ☐ مشک ☐ عرق پیامبر ﷺ
- ☐ * قامت پیامبر ﷺ متناسب بود: ☐ قدش متوسط بود ☐ قد بلند بود



انتخاب الله تعالى:	كنانة	بنی هاشم	اسماعيل	قریش
كنانة از فرزند	☐	☐	☐	☐
قریش از	☐	☐	☐	☐
بنی هاشم	☐	☐	☐	☐
پیامبر ﷺ از	☐	☐	☐	☐

نسب پیامبر ﷺ:	نامش	نام پدر	نام جد	پدر بزرگوار ﷺ	پیش از جد بزرگوار ﷺ	جد بزرگوار ﷺ
هاشم	☐	☐	☐	☐	☐	☐
عبد المطلب	☐	☐	☐	☐	☐	☐
عبد الله	☐	☐	☐	☐	☐	☐
محمد	☐	☐	☐	☐	☐	☐
اسماعيل	☐	☐	☐	☐	☐	☐
ابراهيم	☐	☐	☐	☐	☐	☐

تعریف هر نام را علامت بزنید:	محمد	أحمد	العاقب	السراج
بیش از دیگران پروردگارش را حمد می گوید	☐	☐	☐	☐
بدون آتش، روشنی می بخشد	☐	☐	☐	☐
خصلت های ستودنی بسیار دارد	☐	☐	☐	☐
بعد از او، پیامبری نیست و آخرین پیامبر است	☐	☐	☐	☐

پیامبر ﷺ:	دست	بو	نسب	اخلاق و ظاهر	ترس از الله
بهترین مردم	☐	☐	☐	☐	☐
نرمترین	☐	☐	☐	☐	☐
خوشبوترین	☐	☐	☐	☐	☐
نیکوترین	☐	☐	☐	☐	☐
بیشترین	☐	☐	☐	☐	☐





پیامبر ﷺ:	به خاطر الله تعالی	غذا	به خاطر خودش	صدقه	هدیه
انتقام نمی گرفت	☐	☐	☐	☐	☐
مجازات می کرد	☐	☐	☐	☐	☐
سرزنش نمی کرد	☐	☐	☐	☐	☐
می پذیرفت و جبران می کرد	☐	☐	☐	☐	☐
نمی پذیرفت	☐	☐	☐	☐	☐



رفتار و منش پیامبر ﷺ

نزدنک محبوبتری	دوست داشتنی ترین رنگ برای او، سفید بود؛ می گفت: «از بهترین لباس های شماست و مردگان را در آن کفن کنید».
لباسش	هر لباسی که مقدور بود، می پوشید؛ گاهی از پشم، گاهی از پنبه و گاهی از کتان. برای پوشیدن لباس، از سمت راست شروع می کرد.
تعادل در لباس	علمای سلف می گفتند: (دو لباس شهرت را نمی پندیدند؛ خیلی گران و خیلی کهنه) در حدیث ابن عمر رضی الله عنهما می خوانیم: «کسی که لباس شهرت پیوید، الله تعالی در رستاخیز، لباس تحقیر آمیزی بر تنش می نماید و سپس آتش را در آن شعله ور می کند»؛ زیرا قصد غرور و فخرفروشی دارد و الله این گونه مجازاتش می کند. ابن عمر رضی الله عنهما از پیامبر ﷺ نقل می کند: «کسیکه لباسش را از روی غرور بلند گرداند، لم الله در رستاخیز به او نگاه نمی نماید».
غذای پیامبر ﷺ	غذای حاضر را پس نمی زد و غذایی غیر آن نمی خواست؛ هر خوراک پاکی که نزدش می آوردند، میل می نمود؛ اگر دلش نمی خواست، نمی خورد؛ اما آن را حرام نمی نمود؛ عایشه رضی الله عنها می گفت: «به هیچ غذایی ایراد نگرفت؛ اگر دوست داشت، می خورد و اگر نمی پسندید، نمی خورد» مانند سوسمار که به خاطر عادت غذایی نمی خورد.
آداب غذا خوردن	- غذایش روی زمین و در سفره گذاشته می شد. - با سه انگشت غذا می خورد. - تکیه زده غذا نمی خورد. - در شروع خوردن، بسم می گفت و در انتهای آن، الحمد لله. - غذا را که میل می نمود، انگشتانش را می لیسید.

منش پیامبر ﷺ در پوشش، خوردن و نوشیدن



— بیشتر در حالت نشسته آب می‌خورد و از آب خوردن در حالت ایستاده، منع می‌نمود؛ مگر این که عذری باشد. — هنگام نوشیدن، فرد سمت راست و یا سمت چپش اگر بزرگتر بود، تعارف می‌نمود.	نوش‌دانی پیامبر ﷺ	
---	--------------------------	--

— پیامبر ﷺ فرمود: «از دنیای شما، این‌ها برای من محبوب هستند: زنان و عطر؛ نور چشم من و خوشحالی من در نماز است». — وَكَانَ يَقْسِمُ بَيْنَهُنَّ فِي الْمَيْتِ وَالْإِيَّاءِ وَالنَّفَقَةِ. — عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌گفت: «قصد سفر که داشت، میان همسرانش قرعه می‌انداخت؛ قرعه به نام هر کدامشان می‌شد، او را با خود می‌برد». — با همسرانش خوش اخلاق و خوش رفتار بود. — دختران انصار را نزد عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌آورد تا با او بازی کنند؛ اگر چیزی ممکن می‌خواست، به خواسته‌اش عمل می‌کرد. — به اتاق عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌رفت؛ تکیه می‌زد و قرآن می‌خواند؛ هر چند همسرش عادت ماهیانه بود، و در حال روزه، همسرش را می‌بوسید. — از روی مهربانی و خوش اخلاقی، با همسرش همبازی می‌شد؛ دوبار در مسافرات، با او مسابقه داد و هنگام بیرون رفتن از خانه، از هم پیشی می‌گرفتند. — وَكَانَ إِذَا سَافَرَ وَقَدِمَ لَمْ يَطْرُقْ أَهْلَهُ لَيْلًا، واز این کار نهی می‌نمود.	رهنمود پیامبر ﷺ در ازدواج و زندگی زناشویی
---	--

— وقتی پیامبر ﷺ برای خواب آماده می‌شد، می‌گفت: «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَأَمُوتُ» هر شب که به رختخواب می‌رفت، دو دستش را جمع می‌نمود این سوره‌ها را می‌خواند در دستانش می‌دمید: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾، سپس تمام بدنش را دست می‌کشید. سه بار، از سر و صورتش شروع می‌نمود و جلوی بدنش را مسح می‌کرد. دراز که می‌کشید، دست راستش را زیر گونه می‌گذاشت و سه بار می‌گفت: «اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ» وقتی بیدار می‌شد، می‌گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» سپس مسواک می‌زد.	رفتار پیامبر ﷺ در خواب و بیداری
--	--





- اول شب می خوابید و آخر شب برمی خواست؛ گاهی برای کارهای مسلمانان، اول شب را بیدار بود.
- چشمان پیامبر ﷺ به خواب می رفت و قلبش هوشیار بود.
- وقتی پیامبر ﷺ می خوابید، او را بیدار نمی کردند تا خودش بیدار شود.
- خواب پیامبر ﷺ متعادل بود؛ که سودمندترین نوع خواب می باشد.

- پیامبر ﷺ شوخی می نمود و در شوخی هایش هم حقیقت را می گفت.
- پیامبر ﷺ توریه می کرد؛ اما دروغ نمی گفت.
- پیامبر ﷺ راهنمایی می نمود و مشورت می گرفت.
- پیامبر ﷺ از بیماران عیادت می نمود، جنازه را تشییع می کرد، دعوت را می پذیرفت، به نیازهای بیوه زنان، ناتوانان و نیازمندان، رسیدگی می نمود.
- شعری در مدح خود شنید و پاداش داد. آنچه در ستایش او سروده شده، بخش کوچکی از خوبی های اوست؛ اما آنچه در مدح دیگران سروده اند، بیشتر آن، دروغ و بی پایه است.
- پیامبر ﷺ کفشش را خودش می پوشید و ایراد لباسش را درست می نمود، دلو آبش را وصله می زد، شیر گوسفندش را می دوشید، لباسش را می شست، به خانواده اش کمک می نمود و همراه با دیگران، در ساخت مسجد کمک می کرد.
- پیامبر ﷺ برای از شدت گرسنگی، سنگ را به شکمش بست و برای سیر غذا خورد.
- پیامبر ﷺ مهمانی می گرفت و مهمانی می رفت.
- پیامبر ﷺ وسط سر، پشت پا، دو رنگ گردن و کمرش را حجامت می نمود.
- از دارو استفاده کرد؛ خود از داغ کردن استفاده نمود و درخواست داغ کردن نفرمود؛ رقیه خواند و درخواست رقیه نکرد.
- خوش بر خورترین مردم بود و اگر چیزی را به قرض می گرفت، بهتر از آن را برمی گرداند.

رفتار پی امبر ﷺ در ارتباط با دیگران



رفتار پی امبر ﷺ در راه رفتن	از همه، سریعتر و بهتر و استوارتر راه می‌رفت.			
	چنان از یارانش سریعتر بود که برای رسیدن به او، تلاش می‌کردند.			
	هم پابرهنه و با کفش راه می‌رفت.			
	گاهی صحابه رضی اللہ عنہم جلوتر از او راه می‌رفتند و خودش پشت سرشان می‌رفت.			
	پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم با یکی از یارانش یا با تعدادی از آنان، همراهی می‌نمود.			
رفتار پی امبر ﷺ در ذکر	بیش از دیگران ذکر الله می‌نمود؛ تمام سخنانش یاد الله و مورد رضایت او بود.			
	پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم الله در موقعیت‌های متعدد یاد می‌نمود؛ مانند: بیدار شدن، شرع نماز، خروج از خانه، ورود به مسجد، در صبح و شب، وقت پوشیدن لباس، ورود به خانه یا خروج از آن، ورود به سرویس بهداشتی، پیش و پس از وضو، وقت شنیدن اذان، هنگام دیدن هلال ماه، پیش و پس از خوردن و هنگام عطسه.			
	شمردن سنت‌ها	پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «ده کار از فطرت است: کوتاه کردن سبیل، انبوه گذاشتن ریش، مسواک، استنشاق آب، کوتاه کردن ناخن، شستن مچ‌ها، تراشیدن زیر بغل، تراشیدن زیر شکم . استنجاء» مورد دهم را راوی از یاد برده است.		
		کار از سمت راست شروع کردن هر	پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم در کفش پوشیدن، گام نهادن، پاکیزه کردن، گرفتن یا دادن چیزی، دوست داشت از سمت راست شروع کند؛ غذا خوردن، نوشیدن یا پاک نمودنش با راست بود و ورودش به دستشویی یا حمام و هر کاری برای زدودن ناپاکی، با چپ بود.	
			دن سر تراشی	یا تمام سرش را می‌تراشید و یا هیچ جای آن را نمی‌تراشید.
قوانین فطری و اکو مربوط به آن	مسواک	پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم مسواک زدن را دوست داشت؛ وی در حال روزه یا غیر آن، وقت بیدار شدن، هنگام وضو، پیش از نماز، وقت ورود به خانه، با چوب درک اراک، مسواک می‌زد.		
	عطر	پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم زیاد از عطر استفاده می‌نمود و عطر را دوست داشت.		



پیامبر ﷺ می گفت: «با مشرکان مخالفت نمایید؛ ریش را انبوه بگذارید و سبیل را کوتاه کنید».	ریش و سبیل	
انس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گفت: «پیامبر ﷺ در کوتاه نمودن سبیل و ناخن بر ایمان زمان مشخص نمود که بیشتر از چهل شبانه روز طول نکشد».	تغیج	
- عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می گفت: «رسول الله ﷺ مانند شما تعریف نمی کرد؛ واضح و کامل سخن می گفت تا کسی که نزدش نشست، آن را حفظ نماید». - در موارد بسیار، سخنش را سه بار تکرار می نمود تا درباره اش بیندیشند؛ همچنین سه بار سلام می کرد. - بنا بر ضرورت سخن می گفت و سخنانش کوتاه و پرمعنا بود. - درباره ی چیزی که نمی دانست، سخن نمی گفت و چیزی را که امید ثواب داشت، بیان می نمود. پیامبر ﷺ ناسزاگو و بددهان و پرهیا هو نبود.	سخن گفتن پی امبر ﷺ	رفتار پی امبر ﷺ در گفتار، خندیدن، گریستن و بیان خطبه
تمامی خنده اش در قالب تبسم بود و نهایتا هنگام خندیدن، دندان های آسیابش دیده می شد.	ضحکه	
- گریه اش با صدا و فریاد همراه نبود؛ بلکه هنگام گریستن اشک می ریخت و اندکی صدای سینه اش به گوش می رسید. - ریه اش، یا از روی رحم و مهربانی بر میت بود و یا از بابت نگرانی و شفقت بر امتش؛ و یا از خشیت الهی می گریست یا هنگام تلاوت قرآن گریه می کرد.	بکاوه ﷺ	
- پیامبر ﷺ روی زمین، منبر و یا شتر، سخنرانی می نمود. - جابر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گفت: «وقتی رسول الله ﷺ خطبه می گفت، چشمانش قرمز، صدایش بلند و هیئتش بیشتر می شد؛ گویا خبر از هجوم دشمن می دهد». پیامبر ﷺ همیشه سخنرانی اش را با حمد و ثنای الله شروع می نمود. - پیامبر ﷺ به وقت نیاز و مصلح مردم، سخنرانی می نمود.	خطبه ی پی امبر ﷺ	



آزمون دوم

سؤال:	درست	نادرست
لباس پوشیدن را از سمت راست شروع می‌نمود.	☐	☐
پیامبر ﷺ بیشتر روی زمین و کنار سفره غذا می‌خورد.	☐	☐
وقتی به سفر می‌رفت و برمی‌گشت، شبانه نزد خانواده نمی‌رفت و از این کار نهی می‌نمود.	☐	☐
پیامبر ﷺ گاهی از شدت گرسنگی به شکمش سنگ می‌بست و گاهی سیر می‌خورد.	☐	☐
رقیه می‌کرد و از کسی رقیه نمی‌خواست	☐	☐
اهل و سواس نبود و کارهایی را که اهل و سواس انجام می‌دهند، انجام نمی‌داد.	☐	☐
بر اساس «توحید» و «تسامح یا آسانگیری» مبعوث شد؛ «شرک» و «حرام کردن حلال»، متضاد این دو و بی‌نیازی گوی است.	☐	☐
پیامبر ﷺ هفت فرزند داشت: چهار پسر و سه دختر	☐	☐
همه‌ی فرزندان پیامبر ﷺ از خدیجه رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهَا زاده شدند و از همسر دیگری، فرزند نداشت.	☐	☐
همه‌ی پسرانش پیش از خود آن بزرگوار درگذشتند.	☐	☐
علما اتفاق نظر دارند که پیامبر ﷺ هنگام وفاتش، نه همسر داشت: عائشه، حفصه، زینب بنت جحش، أم سلمه، صفیه، أم حبیبه، میمونه، سوده و جویریّه.	☐	☐
الله تعالی با جبرئیل، به خدیجه سلام فرستاد و این فضیلت، فقط برای او بود.	☐	☐
محبوب‌ترین رنگ برای پیامبر ﷺ: سفید ☐ سیاه ☐ تمامی رنگ‌ها ☐		
لباس پیامبر ﷺ: پشمی نبود ☐ پنبه‌ای و کتان‌ی بود ☐ هر لباسی که مقدور بود، می‌پوشید ☐ ۱ و ۲		



- ❖ لباس پیامبر ﷺ: ☐ گران بود ☐ با کمترین قیمت بود ☐ متعادل بود
- ❖ پیامبر ﷺ بسم الله و الحمد لله می گفت: ☐ در آغاز غذا ☐ در پایان غذا ☐ آغاز و پایان غذا
- ❖ پیامبر ﷺ بیشتر در حالت می نوشید: ☐ نشسته ☐ ایستاده ☐ هر دو
- ❖ پیامبر ﷺ فرمود: «در دنیای شما، را دوست دارم»: ☐ زنان ☐ عطر ☐ هر دو
- ❖ پیامبر ﷺ می گفت: «نور چشم و شادی من، در... است»: ☐ بهشت ☐ نماز ☐ هر دو
- ❖ پیامبر ﷺ با همسرانش ... بود: ☐ خوش مشرب ☐ خوش اخلاق ☐ هر دو
- ❖ انس رضی الله عنه می گفت: «پیامبر ﷺ در کوتاه کردن سبیل و ناخن، برایمان وقت تعیین نمود که بیشتر از (.....) نباشد»: ☐ سی ☐ چهل ☐ پنجاه
- ❖ پیامبر ﷺ در تراشیدن سر: ☐ بخشی را می تراشید و برخی را نمی تراشید ☐ یا همه را می تراشید یا هیچ جای سر را نمی تراشید.
- ❖ پیامبر ﷺ مسواک را دوست داشت و در حال ... مسواک می زد: ☐ غیرروزه ☐ روزه ☐ هر دو
- ❖ خنده ی پیامبر ﷺ: ☐ همیشه لبخند بود ☐ در بالاترین حالت، لبخند بود.
- ❖ بعثت پیامبر ﷺ به سوی بود: ☐ همه ی مردم ☐ ثقلین اعم از جن و انس
- ❖ برترین دخترانش: ☐ همه ی دخترانش ☐ فاطمه ☐ زینب
- ❖ تنها در بستر این بانو بود که بر پیامبر ﷺ وحی شد: ☐ حفصه ☐ ام سلمه ☐ عائشه

پیامبر ﷺ:	جنازه را	دعوت را	بیوه، نیازمند و ناتوان را در نیازهایشان	بیمار را
عیادت می نمود	☐	☐	☐	☐
تشییع می نمود	☐	☐	☐	☐
می پذیرفت	☐	☐	☐	☐
همراهی می کرد	☐	☐	☐	☐



پیامبر ﷺ خودش:	گوسفندش را	وسایل ساخت مسجد را	لباسش را	کفشش را	خانواده اش را
می پوشید	☐	☐	☐	☐	☐
وصبه میزد	☐	☐	☐	☐	☐
می دوشید	☐	☐	☐	☐	☐
کمک می نمود	☐	☐	☐	☐	☐
می برد	☐	☐	☐	☐	☐

از فطرت انسان:	ناخن ها	موی زیر بغل	موی زیر شکم	ریش	سبیل
کوتاه کردن	☐	☐	☐	☐	☐
انبوه کردن	☐	☐	☐	☐	☐
چیدن	☐	☐	☐	☐	☐
زدودن	☐	☐	☐	☐	☐
تراشیدن	☐	☐	☐	☐	☐

رفتار پیامبر ﷺ در خوراک:	غذایی که نیست	آن را می خورد	بدون حرام دانستن	غذای حاضر
پس نمی زد	☐	☐	☐	☐
مجبور نمی کرد	☐	☐	☐	☐
هر چیز پاکی نزدش می آوردند	☐	☐	☐	☐
فقط خود را باز می داشت	☐	☐	☐	☐



پیامبر ﷺ:	وقتی تمام می‌شد	الأكله	یک انگشت	با پنج انگشت	سه انگشت
با... غذا می‌خورد	☐	☐	☐	☐	☐
می‌لیسید	☐	☐	☐	☐	☐
وهو أشرف ما يكون من	☐	☐	☐	☐	☐
متکبر با... می‌خورد	☐	☐	☐	☐	☐
گرسنه با... می‌خورد	☐	☐	☐	☐	☐



ویژگی های پی امبر ﷺ

برخی ویژگی های پی امبر ﷺ	با یک تا پراستی و بدون انحراف مبعوث نشد	ابن قیم رحمته الله می گوید: (وی هم یکتا پرست بود و هم راست کردار؛ یکتا پرست در توحید و درست در اخلاق؛ یعنی: شرک نمی کرد و حلالی را حرام نمی نمود).
	شدم انس فرستاده برای جن و	پیامبر ﷺ فرمود: «هر پیامبری، فقط برای قوم خودش فرستاده می شد؛ و من برای همه ی مردم فرستاده شدم».
	کتاب و دعوت او	الله ﷻ فرمود: ﴿الرَّكَتَبُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿١﴾﴾ [ابراهیم]. الف لام راء؛ کتابی ست که آن را به سوئی تو نازل کردیم تا مردم را به فرمان پروردگارشان، از تاریک ها به سوئی روشنایی بیاورن و آوری؛ به سوئی راه شکست ناپذیر ستوده
	معجزاتش	بزرگترین معجزه ی پیامبر ﷺ قرآن است، هر معجزه ای که به هر پیامبر و فرستاده ای پیش از او داده شده، بخشی از آن به پیامبر ﷺ داده شد.
	جزو دین است دوست داشتن او،	پیامبر ﷺ فرمود: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَلَدِهِ وَوَالِدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» زمانی ایمان می آورید که من برای شما، از فرزند و پدر و مردم، محبوبتر باشم.
	سرکشی از او	کسیکه از او سرپیچی کند، دچار کفر اکبر است؛ الله ﷻ فرمود: ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ قطعاً دشمن تو، ناقص است.
	خلیل	پیامبر ﷺ فرمود: «الله، مرا به عنوان خلیل برگزید؛ همانطور که ابراهیم را به عنوان خلیل برگزید».



برخی ویژگی‌های پیامبر ﷺ	الغزمية پیامبر اولی	الله ﷻ فرمود: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ يَا إِبْرَاهِيمُ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ﴾ [الأحزاب: ۷] و زمانی که از پیامبران و از تو و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم، پیمان گرفتیم.
	علمش	پیامبر ﷻ فرمود: «من از شما به الله دانایم»، الله ﷻ به پیامبرش فرمود: ﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ﴾ [الأنعام: ۵۰]. بگو به شما نمی‌گویم گنجینه‌های خدا نزد من است و غیب نیز نمی‌دانم و به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام.
	حکام مطایع و مخافش	الله ﷻ فرمود: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾ [آل عمران: ۳۱] بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد و خداوند آمرزنده مهربان است. ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۹] و اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین نشوید که شما برترید. پیامبر ﷻ فرمود: «همگی وارد بهشت می‌شوید؛ مگر کسانی که نخواهند». پرسیدند: ای رسول الله! چه کسی نمی‌خواهد؟ گفت: «کسی که از من فرمانبرداری کند، وارد بهشت می‌شود و کسی که سرپیچی کند، نمی‌خواهد» و فرمود: کسی که از فرمان من سرپیچی کند، خوار و حقیر می‌شود.
	امت محمد ﷺ	الله ﷻ فرمود: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰] شما بهترین امتی هستید که برای مردم آمدید؛ به کار خوب فرمان می‌دهید و از کار بد باز می‌دارید و به الله ایمان دارید. ﷺ: «سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، امید دارم که بیشترین بهشتیان باشید».
		سرزمین پیامبر ﷻ مکه بود؛ الله ﷻ فرمود: ﴿إِنْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾ [۱۶] فیه آیت بینه مقام ابراهیم و من دخله کان اماناً والله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً ومن كفر فإن الله غني عن العالمين



﴿آل عمران﴾ [۱۷].

نخستین خانه‌ای که برای مردم نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارك و برای جهانیان، هدایتگر است؛ در آن نشانه‌هایی روشن است؛ مقام ابراهیم است و هر کس واردش شود، در امان است و حج آن خانه، برای الله، بر عهده‌ی مردم است؛ کسی که بتواند به‌سوی آن راه یابد و هر کس کفر ورزد، قطعاً الله از جهانیان بی‌نیاز است.

مکه، سرزمین حرام و باحرمتی است؛ پیامبر ﷺ فرمود: «الله در روز آفرینش آسمان و زمین، این سرزمین را باحرمت و حرام نمود؛ پس بنا بر حرمت الله، حرام است» مکه تا روز رستاخیز، سرزمین مسلمانان است. پیامبر ﷺ فرمود: «بعد از فتح مکه، هجرت از مکه صورت نمی‌گیرد».

قبله‌ی پیامبر ﷺ کعبه است. پیش از آن، بیت المقدس بود؛ پس الله ﷻ فرمود: ﴿قَدْ زَرَىٰ ثَقَلُوبٌ وَجْهَكَ فِي السَّمَاوَاتِ فَلَوْلَيْكَ قِبْلَةٌ تَرْضَاهَا قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ﴾ [بقره: ۱۴۴]. گردانیدن رویت در آسمان را کامل می‌بینیم؛ پس تو را به قبله‌ای که خشنود شوی، بگردانیم. پس رویت را به مسجد الحرام کن و هر جا بودید، رویتان را به آن بگردانید.

مسجد الحرام، نخستین مسجد روی زمین است. ابو ذر رَضِیَ اللهُ عَنْهُ گفت: «از رسول الله ﷺ درباره‌ی اولین مسجد زمین پرسیدم؛ گفت: مسجد الحرام است». پیامبر ﷺ فرمود: «هر کس به کعبه بیاید و همبستری و بدی نکند، مانند روزی که از مادر متولد شده، بازمی‌گردد».

پیامبر ﷺ فرمود: «یک نماز در مسجد الحرام، برابر با یکصد هزار نماز، یک نماز در مسجد من، برابر هزار نماز، و یک نماز در بیت المقدس، برابر پانصد نماز است».

و فرمود: «بار سفر، فقط برای سه مسجد بسته می‌شود: مسجد الحرام، مسجد من و مسجد الأقصى».

و نیز فرمود: «هنگام قضای حاجت، رو یا پشت به قبله نکنید؛ به سمت شرق یا غرب باشید».

خوشان و همسران پیامبر

[۲] زینب رَضِيَ اللهُ عَنْهَا		[۱] قاسم (کنیه‌ی پیامبر ﷺ از اوست).		فرزندان پیامبر ﷺ
[۴] اُمّ کلثوم رَضِيَ اللهُ عَنْهَا		[۳] رقیة رَضِيَ اللهُ عَنْهَا		
[۶] عبد الله (ملقب به طیب و طاهر).		[۵] فاطمة رَضِيَ اللهُ عَنْهَا		
[۷] ابراهیم؛ فرزند ماریه است و بقیه‌ی فرزندان، همگی از خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا هستند.				
همه‌ی فرزندان پیامبر ﷺ به جز فاطمه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا، پیش از خود ایشان فاطمه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا شش ماه پس از رسول الله ﷺ وفات نمود؛ پس الله متعال او را به‌خاطر صبر و رفتار پسندیده‌اش، بر زنان جهان برتری بخشید؛ وی بهترین دختر رسول الله ﷺ بود.				
[۲] عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ		[۱] سیدالشهداء حمزه رَضِيَ اللهُ عَنْهُ		عموهای پیامبر ﷺ
[۴] أبو لهب (نامش: عبد العزی)		[۳] أبو طالب (نامش: عبد مناف)		
[۸] ضرار	[۷] مقوم	[۶] عبد الکعبه	[۵] زبیر	
[۱۱] غیداق (نامش: مُصعب)		[۱۰] مُغیره (لقبش: حجل)		
[۹] قُثم		[۱۰] مُغیره (لقبش: حجل)		
فقط حمزه و عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ ایمان آوردند.				

عمه‌ها	[۱] صفیه (مادر زبیر بن عوّام رَضِيَ اللهُ عَنْهُ)				[۲] أمّ حکیم البیضاء
	[۳] عاتکه	[۴] برّه	[۵] اروی	[۶] أمیمه	
	همسران پیامبر ﷺ	سُورَةُ النِّسَاءِ	ح: حفصه بنت عمر بن خطاب رَضِيَ اللهُ عَنْهُ. ج: جویریة دختر بنت حارث رَضِيَ اللهُ عَنْهُ. ز: زینب بنت جحش رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و زینب بنت خزیمه رَضِيَ اللهُ عَنْهُ.		
			صُورَةُ النِّسَاءِ	ص: صفیه بنت حُیّ بن أخطب رَضِيَ اللهُ عَنْهُ. خ: خدیجه بنت خویلد رَضِيَ اللهُ عَنْهُ. ر: رمله بنت ابی سفیان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ (أم حبیبه).	
سُورَةُ النِّسَاءِ				س: سوده بنت زمعه رَضِيَ اللهُ عَنْهُ. م: میمونه بنت حارث رَضِيَ اللهُ عَنْهُ. ع: عائشه بنت ابی بکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ. هـ: هند بنت أبی أمیه رَضِيَ اللهُ عَنْهُ (أم سلمه).	
	خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا	نخستین همسر پیامبر ﷺ خدیجه بنت خویلد قریشی اسدی رَضِيَ اللهُ عَنْهَا بود؛ چهل ساله بود که پیامبر ﷺ پیش از پیامبر شدن با او ازدواج کرد و تا زمان وفات او، با کسی دیگر ازدواج نفرمود. همه‌ی فرزندان، به‌جز ابراهیم، از این همسرش بودند. وی پیامبر ﷺ را در ماجرای انتخابش به پیامبری، پوشانید، همراه با او تلاش نمود و با مال و جان‌اش ایشان را یاری نمود؛ الله تعالی با جبرئیل عَلَیْهِ السَّلَام به او سلام فرستاد؛ این فضیلت، فقط نصیب خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا شد؛ وی سه سال پیش از هجرت، وفات نمود.			
سوده		پیامبر ﷺ چند روز پس از وفات خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا با سوده بنت زمعه قریشی رَضِيَ اللهُ عَنْهَا ازدواج نمود؛ وی همان کسی بود که نوبتش را به عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا بخشید.			



عائشه رضي الله عنها	سپس پیامبر ﷺ با عایشه صدیقه دختر صدیق، ازدواج نمود؛ در ماجرای افک، بی گناهی اش از سوی الله اعلام شد، همسر دوست داشتنی رسول الله ﷺ بود، پیش از ازدواج، فرشته او را در ابریشمی نزد پیامبر ﷺ آورد و گفت: «این همسر توست» در ماه شوال که شش ساله بود، عقد نمود؛ در شوال سال اول هجری که نه سال داشت، ازدواج نمود، تنها همسر باکره‌ای پیامبر ﷺ بود، فقط در رخن خواب بر پیامبر ﷺ وحی نازل شد، محبوب ترین فرد نزد رسول الله ﷺ بود، علما اتفاق نظر دارند که هر کس به او تهمت زنا بزند، کافر است، فقیه ترین و داناترین همسر پیامبر ﷺ و تمامی زنان امت بود، اصحاب بزرگوار، به دیدگاه و فتوای او مراجعه می کنند.
حفصه رضي الله عنها	پیامبر ﷺ سپس با حفصه بنت عمر بن خطاب رضي الله عنه ازدواج نمود؛ او و همسر نخستش خنیس بن حذافه سهمی رضي الله عنه مسلمان شدند و به مدینه هجرت نمودند؛ خنیس رضي الله عنه پس از غزوه‌ای احد وفات نمود؛ پس او با رسول الله ﷺ ازدواج نمود.
زینب بنت خزیمه رضي الله عنها	سپس با زینب بنت خزیم بن حارث قیسی رضي الله عنها از بنی هلال بن عامر، ازدواج نمود؛ زینب رضي الله عنها دو ماه پس از ازدواج، وفات نمود؛ لقبش أم المساکین بود.
أم سلمه رضي الله عنها	سپس با أم سلمة رضي الله عنها، هند بنت أبي أمیه قریشی مخزومی ازدواج فرمود. نام ابی أمیه: حذیفه بن معیرة است؛ وی آخرین همسر پیامبر ﷺ بود که پیش از وفات ایشان از دنیا رفت؛ وی در سال شصت و دو هجری وفات یافت.
جویریة رضي الله عنها	سپس پیامبر ﷺ با جویریة بنت حارث بن أبي ضرار مصطلقی رضي الله عنها ازدواج نمود؛ وی از اسیران بنی مصطلق بود؛ وی نزد پیامبر ﷺ آمد و از او برای آزادی خود کمک خواست؛ پیامبر نیز او را خرید، آزاد نمود و با او ازدواج کرد.





زینب بنت جحش رضی اللہ عنہا

سپس با زینب بنت جحش رضی اللہ عنہا از بنی اسد بن خزیمه ازدواج نمود؛ وی دختر عمه‌ی پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم، یعنی اُمیمه، بود؛ الله تعالی درباره‌اش فرمود: ﴿فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاهَا﴾ [الأحزاب: ۳۷] (پس وقتی زید از آن زن کام گرفت، وی را به ازدواج تو درآوردیم). وی با این آیه، نسبت به دیگر همسران پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم احساس افتخار می‌کرد و می‌گفت: «شما را خانواده‌هایتان به ازدواجش درآوردند و مرا الله از بالای هفت آسمان به ازدواج او درآورد».

از اختصاصاتش این بود که الله تعالی از بالای آسمان‌ها، وکیل ازدواجش با پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بود. وی در آغاز خلافت عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ وفات یافت؛ نخست با زید بن حارثه رضی اللہ عنہ ازدواج کرد؛ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم زید را پسرخوانده‌اش نمود؛ وقتی زید طلاقش داد، الله تعالی او را به ازدواج فرستاده‌اش در آورد تا امتش به تقلید از وی، بتوانند با همسر پسرخوانده ازدواج کنند.

ام حبیبه رضی اللہ عنہا

سپس با ام حبیبه رضی اللہ عنہا ازدواج نمود؛ نامش رَمْلَة بنت ابی سفیان صخر بن حرب قریشی اموی بود؛ وقتی به حبشه هجرت نمود، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم با او ازدواج فرمود. نجاشی^{۴۰} دینار مهریه‌اش را داد و او را رهسپار نمود؛ وی در دوران خلافت برادرش معاویه رضی اللہ عنہ وفات نمود.

صفیه رضی اللہ عنہا

پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم سپس با صفیه بنت حیی بن أخطب ازدواج نمود؛ وی بزرگوار رضی اللہ عنہ قوم بنی نضیر از نسل هارون بن عمران برادر موسی بود؛ صفیه رضی اللہ عنہا نواده‌ی یک پیامبر و همسر یک پیامبر و از زیباترین زنان جهان بود. پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم کنیزی داشت که او را به عنوان مهریه‌ی صفیه، آزاد نمود و این کار، سنت شد.

میمونه

سپس پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم با میمونَه بنت حارث هلالی رضی اللہ عنہا ازدواج نمود؛ وی آخرین همسر پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بود؛ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بعد از عمره‌ی قضا، در مکه با او ازدواج نمود.

علما اتفاق نظر دارند که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم هنگام وفاتش، نه همسر داشت؛ نخستین همسری که پس از وفاتشان از دنیا رفت، زینب بنت رضی اللہ عنہا در سال ۴۰ هجری و آخرینشان ام سلمه رضی اللہ عنہا در سال ۶۲ هجری دوران خلافت یزید بن معاویه بود.





بجش دوم:
سیرت پیامبر ﷺ



باب اول: پیش از بعثت

تولد پیامبر	پیامبر ﷺ در عام الفیل در مکه، روز دوم ربیع الأول و سال ۵۳ پیش از هجرت (۵۷۱ م)، متولد شد. الله ﷻ ماجرای اصحاب فیل را رقم زد و آنرا هدیه و ارمغانی برای پیامبرش ﷺ خانه‌اش قرار داد.	
پدر	عبدالله بن عبد المطلب، محمد ﷺ که در شکم مادر بود، وی وفات یافت و او یتیم زاده شد.	
مادر	آمنه بنت وهب از بنی زهره؛ پیامبر ﷺ هنوز هفت سال نداشت که مادرش وفات	
سرپرستی	پس از وفات مادر، پدر بزرگوار ﷺ محمد ﷺ، عبدالمطلب، سرپرستی ایشان را عهده‌دار شد. پیامبر ﷺ حدود هشت سال داشت که او وفات نمود عمویش أبو طالب (عبد مناف) سرپرستش شد.	
زنای که پیامبر ﷺ را شری	ثویبة	وی مولای ابو لهب بود که ابو سلمه پیامبر ﷺ را به همراه عبدالله بن عبدالأسد مخزومی و پسر خودش مسروح، شیر داد؛ همچنین عموی ایشان حمزة بن عبدالمطلب رَحِمَهُمُ اللَّهُ را نیز با آن دو شیر داد.
	حلیمة سعدیة	پیامبر ﷺ را از شیر پسرش عبدالله شیر داد که برادر آنیسه و جذامه (شیماء) فرزندان حارث بن العزری بن رفاعه سعدی بودند؛ وی أبو سفیان بن حارث بن عبدالمطلب رَحِمَهُمُ اللَّهُ را همزمان شیر می‌داد.
دایه‌های پیامبر	مادرش آمنه	ثویبة مولای ابو لهب
	شیماء	حلیمة بنت ابي ذؤيب سعدی
دختر حلیمه سعدیه و خواهر رضاعی پیامبر ﷺ؛ وی با گروهی از هوازن، نزد پیامبر ﷺ آمد؛ پس ردای مبارکشان را برایش پهن نمود و برای ادای حقش، او را بر آن نشاندد.		



دایه‌های پیامبر ﷺ	آیه الین	بَرَکَةُ حَبَشَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا؛ پیامبر ﷺ او را از پدر خود به ارث برد و دایه‌اش بود. پیامبر ﷺ او را به ازدواج زید بن حارثه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ در آورد و أسامة بن زید رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ را به دنیا آورد. پس از وفات پیامبر ﷺ، ابو بکر و عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا نزدش رفتند؛ او گریه می‌کرد؛ آن‌دو گفتند: چرا می‌گریی؟ آن‌چه نزد الله است، برای رسول الله ﷺ بهتر است؛ وی گفت: می‌دانم که پاداش الله برای رسول الله ﷺ بهتر است و رسول الله ﷺ به چیزی که برایش بهتر بود پیوست؛ اما از این می‌گیرم که وحی از آسمان، قطع شد! وی آن‌دو را نیز به گریه انداخت و هر سه می‌گریستند.
کار پی‌امبر ﷺ		پیامبر ﷺ چوپانی نمود؛ این کار موجب صبر او و مهربانی با ضعیفان و مراعات حالشان شد. وی می‌گفت: «الله تعالی هر پیامبری را که فرستاد، چوپانی کرده است» اصحاب پرسیدند: حتی شما؟ فرمود: «آری! من نیز در قراریط، برای اهالی مکه چوپانی کرده‌ام».
ازدواج و تجارت و		وقتی پیامبر ﷺ ۲۵ ساله شد، برای تجارت رهسپار شام شد؛ به بُصری که رسید، برگشت و در بازگشتش، با خدیجه بنت خُوَیلد رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا برای نخستین بار ازدواج نمود.
ساخت کعبه		پیامبر ﷺ ۳۵ ساله که شد، کعبه فرو ریخت و قریش تصمیم گرفتند که آن را بازسازی کنند؛ هر طایفه، گوشه‌ای را عهده‌دار شد تا به محل حجر الأسود رسید؛ آنان در نصب آن، دچار اختلاف شدند؛ چهار یا پنج شبانه‌روز گذشت و در نهایت قرار شد نخستین کسی که از دروازه‌ی مسجد وارد می‌شود، میانشان قضاوت کند؛ پیامبر ﷺ نخستین فرد بود؛ دستور داد لباسی بیاورند، سنگ را در آن گذاشتند، هر قبیله، گوشه را برداشت تا به محل سنگ رسیدند؛ پس رسول الله ﷺ با دست خود، حجر الأسود را نصب نمود.
خلوت پی‌امبر		عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌گفت: «پیامبر ﷺ خلوت را دوست داشت؛ تنها به غار حراء می‌رفت و چند شبانه‌روز را به عبادت می‌گذراند» بت‌ها و بت پرستی قومش، او را بسیار ناراحت می‌کرد؛ چیزی را از آن بدتر نمی‌دید.



باب دوم: آغاز وحی

رسول الله ﷺ که چهل ساله شد، نور پیامبری در او درخشید و الله تعالی او را در دوشنبه، با مقام رسالت، او را گرامی داشت.

عائشه رضی الله عنها می گفت: «نخستین شکل نزول وحی بر رسول الله ﷺ با رویای راستین در خواب بود. پس هر چه را که رسول الله ﷺ در خواب می دید، مانند روشنی صبح، تحقق پیدا می کرد؛ وی خلوت را دوست داشت، در غار حراء خلوت می کرد و پیش از برگشت نزد خانواده و برداشتن توشه، چند شبانه روز را به عبادت می گذراند؛ سپس نزد خدیجه باز می گشت و توشه ای بر می داشت؛ تا این که روزی در غار حراء بود که حقیقت رخ داد؛ فرشته نزدش آمد و گفت: بخوان. گفت: نمی توانم بخوانم. وی فرمود: فرشته مرا در آغوش گرفت و تا جایی که تحمل داشتم، فشرد؛ سپس رها کرد و گفت: بخوان. گفتم: خواندن نمی دانم. برای بار دوم مرا گرفت و تا جایی که توان داشتم، فشرد و سپس رها کرد و گفت: بخوان. گفتم: نمی توانم بخوانم. بار سوم نیز مرا گرفت و فشرد سپس رها کرد و گفت: ﴿اقْرَأْ بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝۱ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝۲ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۝۳﴾ [العلق]. رسول الله ﷺ با آن آیات باز گشت و درحالی که قلبش می لرزید، نزد خدیجه رضی الله عنها رفت و گفت: مرا بپوشانید، مرا بپوشانید. پس او را پوشاندند تا ترس از بدنش رفت؛ حادثه را برای خدیجه تعریف کرد و گفت: از خودم می ترسم. خدیجه گفت: هرگز؛ به الله سوگند که الله تو را خوار نمی کند؛ تو با خویشانت ارتباط داری، مستمند را کمک می کنی، از مهمان پذیرایی می نمایی و در راه حق، مشکلات را تحمل می کنی. سپس خدیجه او را نزد پسر عمیش وَرَقَةَ بْنِ نَوْفَلٍ بْنِ أَسَدِ بْنِ عَبْدِ الْعُزَّى برد. وی در عهد جاهلیت، نصرانی بود و انجیل را به زبان عبری می نوشت؛ مردی پیر که نابینا شده بود. خدیجه به او گفت: ای پسر عمو! رخدادی را از برادرزاده ات بشنو؛ ورقه گفت: ای برادرزاده! چه دیده ای؟ رسول الله ﷺ هر چه دیده بود، برایش بیان کرد.



پیامبر شدن محمد ﷺ	ورقه گفت: این فرشته‌ای است که الله بر موسی نازل نمود؛ ای کاش روزی که قومت تو را از بیرون می‌کنند، زنده و جوان باشم. رسول الله ﷺ گفت: آنان مرا بیرون می‌کنند؟ گفت: آری؛ هر کس چنین پیامی بیاورد، با او دشمنی کنند؛ اگر در روزگارت زنده باشم، تو را با تمام توان یاری می‌کنم. دیری نگذشت که ورقه وفات یافت و وحی قطع شد. پیامبر ﷺ می‌فرمود: روزی راه می‌رفتم که صدایی از آسمان شنیدم؛ به بالا نگاه کردم؛ فرشته‌ای که در حراء نزد آمد بود، دیدم که بر تختی میان آسمان و زمین نشسته است. از او ترسیدم، برگشتم و گفتم: مرا بپوشانید، مرا بپوشانید. پس الله تعالی نازل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الْمَدِينُ ۖ قُفَا نَذِرٌ ۚ﴾ ﴿٢﴾ تا آیه‌ی ﴿وَالرَّجْزَ فَاهْجُرْ﴾ ﴿٥﴾ [مُدَّثِر]	
	الصادقة [۱] خواب	وكانت مبدأ وحیه ﷺ، قالت عائشة رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: «فَكَانَ لَا يَرَى رُؤْيَا إِلَّا جَاءَتْ مِثْلَ فَلَقِ الصُّبْحِ».
	به ذهن [۲] ورود	فرشته در درون و قلب پیامبر ﷺ می‌آمد. رسول الله ﷺ می‌فرمود: «روح الأمين در درونم دمید و مرا خبر داد که...».
	چهره فرشته [۳] تغفیر	پیامبر ﷺ فرمود: «گاهی فرشته مانند یک مرد برایم ظاهر می‌شد و با من سخن می‌گفت و می‌فهمیدم که چه می‌گوید» صابه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا نیز او را گاه در این حالت می‌دیدند.
	[۴] صدای زنگ	پیامبر ﷺ فرمود: «گاهی مانند صدای زنگ به نزد من می‌آمد و این سخت‌ترین شکل برایم بود. صدا که قطع می‌شود، سخنان را در خاطر من داشتم»، عائشة رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می‌گفت: «در روزی بسیار سرد، دیدم که وحی بر او نازل می‌شود؛ وقتی حالتش تمام می‌شد، عرق بر پیشانی او می‌نشست»، گاهی که سواره بود، مرکبش از شدت وحی، بر زمین می‌نشست.
مراتب وحی	اصلی [۵] شن‌کلی	بنا بر فرمایش الله تعالی در سوره‌ی نجم، پیامبر ﷺ جبرئیل را دو بار به شکل اصلی‌اش دید و وحی را از او دریافت نمود.



مراتب وحی	مستقیم الله [۶] وحی	در شب معراج، الله تعالی فرض شدن نماز و برخی دستورات دیگر را از بالای هفت آسمان، به طور مستقیم به فرستاده‌اش وحی نمود.	
	با او گفتن الله [۷] سخن	الله ﷻ بدون واسطه‌ی فرشته، با فرستاده‌اش سخن گفت؛ همان‌گونه که با موسی ﷺ سخن گفت.	
آیات وحی نخستین	نخست، پنج آیه‌ی آغازین سوره‌ی علق وحی شد: ﴿أَفَرَأَى بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝۱ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝۲ أَفَرَأَى عَلَاقٌ ۝۳ وَالَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝۴ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝۵﴾.		
مراتب دعوت پی‌امبر ﷺ	[۱] پیامبر شدن	[۲] هشدار به خویشان نزدیک.	[۳] هشدار به قومش
	[۴] هشدار به آن قومی که هشداردهنده‌ای برایشان نیامده بود؛ یعنی تمامی عرب‌ها.		
	[۵] هشدار به تمامی جن‌ها و انسان‌هایی که تا روز رستاخیز، پیامش به آنان		
مراحل دعوت پی‌امبر ﷺ	[۱] دعوت پنهانی: سه سال نخست بعثت.		
	[۲] دعوت آشکار: وقتی الله فرمود: ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ﴾ [حجر: ۹۴].		
نخستین مؤمنان	از مردان: أبو بکر صدیق.		از زنان: خدیجه بنت خویلد.
	از کودکان: علی بن ابی طالب.		از خادمان: زید بن حارثه.
	از بردگان: بلال بن رباح حبشی.		



برخی از نخستین کسانی که بعد از خانواده‌ی پیامبر ﷺ ایمان آوردند، عبارتند از: عثمان بن عفّان، طلحة بن عبید الله، زُبیر بن عوّام، سعد بن ابی وقاص، عبد الرحمن بن عوف، خباب بن ارت، صهیب رومی، عمار بن یاسر و مادرش سمیه، ابو عبیده عامر بن جراح، عثمان بن مظعون، ابو سلمة بن عبد الأسد و عتبة بن غزوان رضی الله عنهم اجمعین.

باب سوم: دوران مکہ

- وقتی مشرکان، درستی دعوت پیامبر ﷺ و جمعه شدن مردم را پیرامون او دیدند، آنان را به سختی آزار رساندند؛ برای نمونه:
- شایعه کردند که محمد ﷺ جادوگر است؛ تا مردم از او بترسند و دور شوند.
- شایعه کردند که محمد ﷺ دیوانه است؛ تا مردم او را سبک سر پندارند.
- شایعه کردند که محمد ﷺ دروغگوست؛ این ادعا باطل بود؛ زیرا به خاطر راستی و امانت داری، به امین شهرت داشت.
- تمسخر و ریشخند به دعوت رسول الله ﷺ و سخنانش.
- وقتی پیامبر ﷺ برای دعوت مردم می آمد، هیاهو به پا می کردند تا مانع شنیدن وحی و سخنانش شوند.
- هر کس برای عمره یا حج به مکہ می آمد، به استقبالش میرفتند و او را از پیامبر ﷺ می ترسانیدند.
- به بدن پیامبر ﷺ آسیب می زدند؛ مانند عقبه بن ابی معیط که آن چنان لباس ایشان را کشید که نزدیک بود خفه شود که ناگاه ابو بکر رضی الله عنه او را دور کرد؛ باری شکمبه ی شتر بر پشتش انداختند که دخترش فاطمه رضی الله عنها آن را برداشت.
- قصد کشتن پیامبر ﷺ را کردند؛ نزد عمویش ابوطالب رفتند و از او خواستند که عماره بن ولید را به جای بردارزاده اش بگیرد تا وی را بکشند. همچنین می خواستند پیامبر ﷺ را در ماجرای جرتش به قتل رسانند.
- شکنجه ی مؤمنان ناتوان؛ آنان را بسیار شکنجه می کردند؛ سنگ بر شکم بلال گذاشتند و با خانواده ی عمار بن یاسر رضی الله عنه و برخی دیگر، بسیار بدرفتاری کردند.

آزار مشرکان به پی امبر ﷺ و یاران

مسلمانان که زیاد شدند، کافران ترسیدند و آزارشان را بیشتر کردند؛ پس رسول الله ﷺ فرمان هجرت به حبشه داد و فرمود: «آن جا پادشاهی است که به مردمش ستم نمی کند».

هجرت به حبشه



هجرة به حبشه	بار نخست	دوازده مرد و چهار زن، هجرت کردند؛ از آن جمله: عثمان بن عفان رضی الله عنه (نخستین کسی که خارج شد) و همسرش رقیة بنت رسول الله ﷺ. آنان در حبشه، در وضعیتی خوبی به سر می بردند. به آنان خبر رسید که قریش، اسلام را پذیرفته است؛ اما دروغ بود. پس به مکه بازگشتند؛ وقتی دیدند شرایط بسیار دشوار است، هر کدامشان که توانست، برگشت. برخی مانند عبدالله بن مسعود رضی الله عنه وارد مکه شدند و از قریش آزار زیادی دیدند.
	بار دوم	هشتاد و سه مرد و هجده زن هجرت کردند؛ آنان در نزد نجاشی، وضعیت خوبی داشتند. خبر به قریش رسید. پس عمرو بن عاص و عبدالله بن ابی ربیع را با گروهی فرستادند تا نجاشی را فریب دهند؛ پس الله تعالی، نیرنگشان را به خودشان بازگرداند.
اسلام حمزه وعمر		در سال ششم بعثت، حمزه بن عبدالمطلب رضی الله عنه مسلمان شد؛ وی که عزتمندترین فرد قریش نام داشت، با اسلامش، رسول الله ﷺ عزت یافت. سپس به برکت دعای پیامبر ﷺ، عمر بن خطاب مسلمان شد و مؤمنان با مسلمان شدن این دو، قدرت یافتند و در برابر قریش ایستادند.
شعب ابوطالب		آزار قریش در حق رسول الله ﷺ شدت یافت؛ برای سه سال، او و خانواده اش ا در شاعر محاصره داشتند. عبدالله بن عباس رضی الله عنه در آن جا متولد شد. کافران آزار و اذیت زیادی در حق پیامبر مرتکب شدند و او در ۴۹ سالگی از محاصره بیرون آمد.
ابوطالب وفات		پس از چند ماه، ابوطالب در سنا ۸۷ سالگی وفات یافت. پس اندکی خدیجه رضی الله عنها وفات یافت و آزار و اذیت مشرکان بیشتر شد.
رفتن به طائف		پیامبر ﷺ به همراه زید بن حارثه رضی الله عنه به طائف رفت تا مردم به دعوت دهد؛ چند روزی آن جا ماند؛ اما آنان نپذیرفتند، ایشان را اذیت کردند و بیرون راندند و چنان با سنگ زدند که پاهایش زخمی شد؛ رسول الله ﷺ به مکه برگشت و در امان مَطْعَم بن عَدِی وارد مکه شد.



عَدَّاسُ إِسْلَام	پیامبر ﷺ که از طائف باز می‌گشت، عَدَّاس نصرانی را ملاقات کرد. او مسلمان شد و سخنان پیامبر ﷺ را پذیرفت.
نَجَّاهَا إِيمَان	در بازگشت از طائف به مکه، در محلی به نام نَخْلَة، هفت جن از قبیله‌ی نصیین نزد پیامبر ﷺ آمدند؛ قرآن را شنیدند و ایمان آوردند.
مِعْرَاج إِسْرَاءُ وَ	پیامبر ﷺ شبانه با جسم و روحش، به مسجد الأَقْصَى روانه شد و به بالای آسمان‌ها، به سوی الله ﷻ، بالا رفت. الله متعال با او سخن گفت و نمازها را بر او فرض نمود.
عَرْضَهُ إِسْلَامَ بِلَى قَبَائِلَ	مدتی که پیامبر ﷺ در مکه حضور داشت، قبایل عرب را به الله دعوت می‌داد و به هر بهانه‌ای نزدشان می‌رفت تا پیام پروردگار را به آنان برساند. اما هیچ قبیله‌ای، دعوتش را نپذیرفت؛ الله تعالی آن را برای گرامیداشت انصار نگاه داشت؛ شش تن از انصار آمدند و پیام الله و فرستاده‌اش را پذیرفتند، سپس به مدینه بازگشتند و قومشان را به اسلام فراخواندند تا این که اسلام در میانشان منتشر شد؛ چنان که در هر خانه‌ای، سخن از رسول الله ﷺ بود.
	در سال بعد، دوازده نفر از انصار به مکه آمدند؛ از آن جمله پنج نفر از شش مسلمان پیشتاز بودند. در عقبه با رسول الله ﷺ بیعت کردند. بیعتی درباره‌ی زنان که در سوره‌ی ممتحنة آمده است. سپس به مدینه برگشتند.
انصار رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ بَیْعَتُ عَقِبِهِ	بایعت نخست
	بایعت دوم
	سال بعد، ۷۳ مرد و دو زن که جزو پیمان عقبه بودند، آمدند. با رسول الله ﷺ بیعت نمودند که هم‌چون زنان و فرزندان خودشان، از پیامبر ﷺ دفاع نمایند. رسول الله ﷺ از میانشان دوازده امیر و سرپرست برگزید.

باب چهارم: دوران مدینه

فرمان هجرت

رسول الله ﷺ به اصحابش ﷺ اجازه داد تا به مدینه هجرت نمایند؛ پس پنهانی روانه شدند؛ گفته‌اند که نخستین مهاجر، ابو سلمة بن عبد الأسد مخزومی یا مُضْعَب بن عُمَیر بوده است. انصار آن‌ها را به خانه‌هایشان بردند و پناه دادند و یاری نمودند و اسلام این گونه در مدینه منتشر شد.

سپس فرمان هجرت به رسول الله ﷺ داده شد؛ وی در ۵۳ سالگی، همراه با ابوبکر و خادمش عامر بن فُهَیرَه هجرت نمود. راهنمای آن‌ها، عبدالله بن اُرَیْقَط اللّیثی بود. او و ابوبکر وارد غار ثور شدند و سه روز آن جا ماندند. سپس راه ساحل را در پیش گرفتند.

رسول الله ﷺ به مدینه ورود پیامبر

پیامبر ﷺ و همراهش در دوشنبه که ۱۲ روز از ربیع الأول گذشته بود، به قباء در بالای مدینه رسیدند و در آن جا ۱۴ روز نزد بنی عَمْرِو بن عَوْف ماندند.

مسجد نخستین

پیامبر ﷺ مسجد قباء را بنا نمود؛ ابن عمر رضی الله عنهما می گفت: «پیامبر ﷺ هر شنبه، پیاده یا سواره، به مسجد قباء می آمد» پیامبر ﷺ فرمود: «نماز در مسجد قباء، مانند عمره است».

ساخت مسجد النبی ﷺ

پیامبر ﷺ بر شترش نشست و روانه شد، مردم به او می گفتند که نزدشان اقامت کند و افسار شترش را می گرفتند. فرمود: «راهش را باز کنید که او فرمان دارد» شتر در محل امروزی مسجد، بر زمین نشست. جایی که مال دو جوان از بنی نجار به نام سهل و سهیل بود. پیامبر ﷺ نزد ابو ایوب انصاری رضی الله عنه اقامت کرد و در همان صحنی که شتر نشست، به دست خود و یارانش مسجدی بنا نمود. پیامبر ﷺ خانه‌ی خود و همسرانش را در کنار مسجد ساخت؛ نزدیکترین خانه به مسجد، خانه‌ی عایشه رضی الله عنها بود. پیامبر ﷺ بعد از هفت ماه، از خانه‌ی ابو ایوب رضی الله عنه به آن جا رفت.

برادری پی‌مان	پس از بنای مسجد، پیامبر ﷺ میان مهاجران که نود مرد بودند و میان انصار، پیمان برادری برقرار نمود و آنان تا زمان بدر، از یکدیگر ارث می‌بردند.
یهود	پیامبر ﷺ که به مدینه آمد و یهود ایشان را دیدند فهمیدند که او واقعاً فرستاده‌ی الله است و همان کسی است که درباره‌اش در تورات چیزهایی آمده است. با این وجود، تعداد کمی از آنان مسلمان شدند؛ مانند عبد الله بن سلام رضی الله عنه که دانشمند و فقیه یهودی بود. پیامبر ﷺ با قبائل یهودف یعنی بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه پیمان صلح بست.
تغییر قبله	پس از فرض شدن نمازها، پیامبر ﷺ به سمت بیت المقدس نماز می‌خواند. وی دوست داشت که قبله به کعبه تغییر کند. بدین امید، نگاهش را در آسمان می‌گرداند. پس الله متعال نازل فرمود: ﴿قَدْ رَأَى ثَقَلَبٌ وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُؤَيِّنَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا﴾ پیامبر در سال دوم هجری، قبله‌اش را به کعبه تغییر داد.
فرمان جهاد	پس از این که پیامبر ﷺ در مدینه جای گرفت و انصار رضی الله عنهم مدافع او شدند، الله تعالی فرمود: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ (۳۹) الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ ﴿[حج] به آنان که جنگ بر آنان تحمیل شد، اجازه‌ی جهاد داده شد؛ زیرا مورد ستم قرار گرفته‌اند و الله بر پیروزی آنان تواناست؛ همان کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون شدند؛ گناهی نداشتند جز این که گفتند: پروردگار ما، الله است.
غزوه بدر	سال دوم هجری، رسول الله ﷺ با سیصد و چند نفر برای گرفتن کاروان تجاری قریش که از شام برمیگشت، حرکت نمود. ابو سفیان راه راهش را تغییر داد. پس شیطان، قریش را فریب داد و آنان برای جنگ با مسلمانان، روانه شدند. دو گروه در بدر به هم رسیدند؛ این غزوه‌ی بدر بزرگ رضی الله عنه است که یوم الفرقان هم نامیده شد. دو لشکر که به هم رسیدند، رسول الله ﷺ از پروردگارش کمک خواست و از او بسیار خواهش نمود. پس الله تعالی مؤمنان را با فرشتگانش یاری نمود. پس آنان را بر کافران پیروز گرداند و پیام را والا نمود. هفتاد نفر از مشکران کشته شدند و چهارده مرد از مؤمنان، به شهادت رسیدند.



غزوه قينقاع	در سال سوم هجری، بنی قینقاع پیمان صلح را شکست؛ پیامبر ﷺ آنان را پانزده شبانه روز محاصره نمود؛ پس حکمشان نازل و آنان را که هفتصد نفر بودند، آزاد نمود.
غزوه احد	غزوه احد در شوال روی داد؛ قریش با سه هزار نفر و برای انتقام کشتگان بدر، روانهٔ مدینه شد. پیامبر ﷺ نیز با هفتصد نفر از یارانش به احد رفتند و منافقان در این میان، پس رفتند. در آغاز روز، پیروزی با مسلمانان بود؛ الله تعالی مسلمانان را آزمود و مشرکان را پیروز نمود تا جایی که به رسول الله ﷺ نزدیک شدند و دندانش را شکستند. در آن روز فرشتگان هم در نبرد شرکت کردند؛ هفتاد نفر از اصحاب رضی الله عنهم، از جمله حمزة بن عبد المطلب و مصعب بن عمیر و انس بن نصر و حنظلة الغسیل و برخی دیگر، به شهادت رسیدند. طلحة بن عبید الله در این غزوه، بسیار رشادت نشان داد؛ تا جایی که رسول الله ﷺ فرمود: «بهشت بر طلحه واجب شد» رسول الله ﷺ و مسلمانان به کوه پناه بردند و الله تعالی دست مشرکان را از آنان دور ساخت. روز احد، روز آزمایش بود. الله تعالی در آن روز، مؤمنان را آزمود و منافقان را رسوا نمود و هر کسی را خواست، به مقام شهادت رسانید. پس از غزوه، پیامبر ﷺ با خبر شد که قریش دوباره برای نبرد و نابودی اسلام، حرکت کرده است؛ پس همراه با مؤمنان، از قرح حرکت کرد؛ وقتی مسلمانان به حمراء الأسد رسیدند؛ قریش که با خبر شد، از جنگ کناره گرفت و به مکه بازگشت.
سال ۴ هـ	در سال ۴ هـ واقعهٔ بئر معونه رخ داد؛ در این واقعه، ۷۰ نفر از قاریان شهید شدند. همچنین غزوه بنی نضیر اتفاق افتاد؛ پیامبر ﷺ آنان را محاصره نمود تا این که الله در قلبشان وحشت انداخت و پیامبر ﷺ آنان را از مدینه تبعید نمود؛ سورهٔ حشر در همین باره نازل شد.
غزوه	پیامبر ﷺ در سال ۵ هـ برای نبرد با بنی مصطلق روانه شد و پیروز بازگشت. در همین ماجرا بود که حکم تیمم صادر شد و حادثهٔ افک نیز رخ داد؛ در این حادثه





مُرْسِيْع	مناققان به مادرمان عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا طاهره مطهره، تهمت زنا زدند؛ وضعیت برای او و رسول الله ﷺ بسیار سخت شد؛ تا این که الله تعالی بیگناهی او را در سوره ی نور نازل نمود و تهمت زننده را شلاق خوردند.
غزوه احزاب	در شوال سال ۵ هـ غزوه خندق (احزاب) روی داد. یهود برای نبرد با پیامبر ﷺ و یارانش، با قریش و دیگر دشمنان اسلام هم پیمان شدند. سپاهی ده هزار نفری از قریش، بنی سلیم، بنی أسد، فزاره، أشجع و دیگران، شکل گرفت و به سوی مدینه حرکت کردند. سلمان فارسی به پیامبر ﷺ پیشنهاد داد تا برای در امان ماندن از دشمن، خندق حفر کنند. رسول الله ﷺ با سه هزار نفر حرکت کرد و در کوه سلع جای گرفت؛ در مقابلش دستور حفر خندق داد. از همی پیمانانش در بنی قریظه درخواست امان کرد؛ به جز از کسانی که پیمان شکستند و با سپاه احزاب همراه شدند. پیامبر ﷺ نَعِیم بن مسعود رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ را نزد آنان و احزاب فرستاد تا میانشان اختلاف انداخت و الله تعالی به باد فرمان داد تا بر احزاب بوزد، خیمه هایشان را برکند و دیگ هایشان را وارونه سازد؛ طوفان، آنان را سست گردانید و در دلشان وحشت انداخت؛ پس به ناچار بازگشتند. پیامبر ﷺ به سوی بنی قریظه حرکت کرد و سعد بن معاذ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ را به عنوان حَکَم و داور، به میانشان فرستاد. سوره ی احزاب درباره ی همین غزوه نازل شد.
صلح حدیبیّه	پیامبر ﷺ در سال ۶ هـ به همراه هزار و چهارصد نفر از یارانش برای عمره حرکت نمود. به حدیبیه که رسیدند، قریش مانع ورودشان به مکه شد؛ پس پیمان بستند که ده سال نبردی انجام نشود. بنا به فرمایش الله تعالی: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾ [فتح] این یک پیروزی برای مسلمانان بود. در این پیمان، قریش به مسلمانان اجازه داد که سال بعد، برای عمره به مکه بیایند. عمره قضاء در ذی قعده سال ۷ هـ انجام شد.
غزوه	پیامبر ﷺ ۴۰ روز پس از صلح حدیبیه، به سمت خیبر در شمال مدینه رفت و آنان را نزدیک به ۴۰ شبانه روز محاصره کرد. مسمانان در آن جا بسیار به سختی افتادند؛





غزوه خیبر	یهود که دیدند در حال نابودی هستند، از پیامبر ﷺ خواستند صلح کنند؛ پس بدین قرار مصالحه کردند که جان ساکنان قلعه محفوظ باشد و در مقابل باید یهود از آن سرزمین بروند و تمام اموالشان را برای مسلمانان برجائی گذارند.
آمدن جعفر	پیامبر ﷺ که در خیبر بود، ابوهیره رضی الله عنه مسلمان شد و به مدینه آمد؛ همچنین جعفر بن ابی طالب پسر عموی پیامبر ﷺ و همراهانش از حبشه رسیدند و به رسول الله ﷺ پیوستند. أبو موسیٰ اشعری و یارانش رضی الله عنهم هم به آنان پیوستند.
غزوه مؤته	غزوه مؤته در سال ۸ هـ رخ داد؛ شرحبیل بن عمرو غسانی فرستاده‌ی رسول الله ﷺ به پادشاه روم را کشت؛ پس پیامبر ﷺ سه هزار نفر از یارانش را روانه ساخت و پسرخوانده‌اش زید بن حارثه رضی الله عنه را فرمانده نمود و فرمود: «اگر زید شهید شد، جعفر بن ابی طالب امیر باشد و اگر جعفر شهید شد، عبدالله بن رواحه باشد.» هرقل و دویست هزار از دوستان عربش، حرکت کردند؛ دو سپاه، در مؤته به هم رسیدند و نبرد رخ داد؛ فرماندهان پیامبر ﷺ شهید شدند و خالد بن ولید رضی الله عنه پرچ اسلام را گرفت؛ وی به خوبی فرماندهی نمود و مسلمانان را از دشمنان الله و دشمنان مسلمانان، نجات داد.
فتح بزرگ مکه	در همان سال، بنو بکر که هم‌پیمان قریش بودند، بر خزاعه که هم‌پیمان پیامبر ﷺ بودند، حمله بردند؛ قریش هم آنان را مخفیانه یاری کرد؛ وقتی خبر به پیامبر ﷺ رسید، تصمیم گرفت مکه را فتح کند. ابو سفیان به مدینه آمد تا با پیامبر ﷺ صحبت کند؛ اما سخنی از او نشنید؛ پس با ابوبکر و عمر و علی صحبت کرد تا با پیامبر ﷺ سخن بگویند؛ آن‌ها نپذیرفتند. پیامبر ﷺ از الله خواست تا قریش را از آمدن مسلمانان به مکه، غافل نماید؛ الله متعال نیز درخواستش را پذیرفت و پیامبر ﷺ با ده هزار نفر به مکه روانه شد. اندکی پیش از فتح مکه، عباس بن عبد المطلب رضی الله عنه عموی پیامبر ﷺ مسلمان شد. از سخنان پیامبر ﷺ در فتح مکه است: «کسی که وارد خانه‌ی ابو سفیان شود، در امان است؛ کسی که وارد مسجد شود، در امان است؛ کسی که درب خانه‌اش را ببندد، در امان است.» پیامبر ﷺ تنها با کسانی می‌جنگید که جنگش آمدند؛ کسانی که پیامبر ﷺ و مسلمانان را آزار و شکنجه دادند، خونشان ریخته شد.



فتح بزرگ مکه	وقتی پیامبر ﷺ وارد مکه شد، بدون احرام بر پیرامون کعبه گشت؛ سپس عثمان بن طلحه را خواست، کلید کعبه را از او گرفت و هر بتی که در کعبه یا اطرافش بود، از بین برد؛ سپس کلید را به عثمان بن طلحه بازگرداند. پس از فتح مکه، مردم زیادی اسلام آوردند و قبایل، گروه گروه نزد پیامبر ﷺ آمدند و مسلمان شدند.
نابودی بت‌ها	الله که مکه را برای مسلمانان فتح نمود، پیامبر ﷺ یارانش را برای شکستن بت‌های اطراف مکه روانه نمود؛ عمرو بن عاص رَضِیَ اللهُ عَنْهُ را برای سُواع، سعد بن زید رَضِیَ اللهُ عَنْهُ را برای منات، خالد بن ولید رَضِیَ اللهُ عَنْهُ را برای عُزَی، طُفیل رَضِیَ اللهُ عَنْهُ را برای ذو الکفَین و علی رَضِیَ اللهُ عَنْهُ را برای بت طیء فرستاد.
غزوه حنین	هوازن که خبر فتح مکه را شنیدند، برای نبرد با رسول الله ﷺ گرد آمدند؛ آن‌ها با اموال و زنان و فرزندانشان روانه شدند؛ پیامبر ﷺ با ۱۲ هزار نفر حرکت نمود؛ مسلمانان از تعداد زیاد خود دچار غرور شدند؛ به سرزمین حنین که رسیدند، هوازن به سختی بر آنان حمله برد؛ تا جایی که از شدت ترس، از اطراف پیامبر ﷺ پراکنده شدند و فقط تعدادی از مهاجران و خانواده‌اش ماندند؛ الله تعالی مؤمنان را استوار نمود و آنان به نزد پیامبر ﷺ بازگشتند و جنگیدند حتا این که الله آن‌ها را پیروز گرداند و هوازن به طائف گریختند. چهارده نفر از سران هوازن نزد پیامبر ﷺ آمدند و درخواست آزادی اسیرانشان را نمودند.
طائف غزوه	کار هوازن که یکسره شد، پیامبر ﷺ به سوی طائف حرکت نمود و آن‌جا را هجده روز محاصره کرد؛ سپس پیامبر ﷺ و نبردی رخ نداد.
غزوه تبوک	در سال ۹ هـ غزوه‌ی تبوک (غزوة العُسرة) رخ داد؛ روزهای بسیار گرم و زمان میوه‌ها بود. رفتن برای نبرد، برای مردم دشوار و سخت شد؛ وقتی پیامبر ﷺ هنگام خروج، مردم را به انفاق تشویق نمود؛ عثمان رَضِیَ اللهُ عَنْهُ سیصد شتر با همه‌ی بارکش‌ها و بارهای آن به همراه هزار دینار انفاق کرد. پیامبر ﷺ فرمود: "از این



غزوه تبوك

پس عثمان هر چه کند، زيانی به او نمی‌رسد". و صحابه هر کدام در خور توان خود انفاق کردند.

از همراهی با پیامبر ﷺ عموم منافقان و همچنین سه صحابی - بدون عذر - تخلف ورزیدند؛ آن سه عبارت بودند از: کعب بن مالک، هلال بن امیه و مرارة بن ربیع که درباره‌ی تاخیر در پذیرش توبه‌ی آنان، آیه‌ی ۱۱۸ سوره‌ی توبه نازل شد: (وعلى الثلاثة الذين خلفوا) و بدین ترتیب الله تعالی به سبب صداقت این سه نفر - که به دروغ بهانه‌تراشی نکردند - توبه‌ی آنان را پذیرفت. اما در این سوره منافقان را نکوهش کرد و بر آنان مهر شقاوت زد. و چون این سوره‌ی توبه منافقان را رسوا کرد، سوره‌ی فاضحة، (یعنی رسواکننده) نامیده شده است.

در این غزوه پیامبر ﷺ با فرمانروای ایل و نیز اهالی جربا و اذرح در مقابل پرداخت جزیه، پیمان صلح نوشت و همین‌طور در برابر پرداخت جزیه با اکیدر، امیر دومه مصالحه نمود و هفده شب در تبوک ماند و سپس بی‌آنکه درگیر جنگ شود، به مدینه بازگشت.

وقتی پیامبر ﷺ به مدینه بازگشت، الله تعالی دستور تخریب مسجد ضرار را که منافقان ساخته بودند، صادر نمود ﴿ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَقَرُّبًا إِلَى الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ [توبه: ۲۷]، پس پیامبر ﷺ آن را خراب نمود؛ تبوک، آخرین غزوه‌ی پیامبر ﷺ بود.

سنة الوفود

پس از غزوه تبوک، قبیله‌ی ثقیف مسلمان شدند و سال ۹ هـ را سنة الوفود نامیدند. قبیله‌ها گروه گروه نزد پیامبر ﷺ آمدند و مسلمان شدند. از جمله: بنی تمیم و بزرگشان عطار بن حاجب تمیمی، طيء و بزرگشان زید الخیل، عبد القیس و بزرگشان جارود العبدي، بنی حنیفة که مسیلمة کذاب (مدعی پیامبری) در میان آنها بود.

حج ابوبکر

پیامبر ﷺ در سال ۹ هـ ابوبکر رضی الله عنه را به عنوان امیر کاروان حج فرستاد، وی برای مردم حج نمود. پیامبر ﷺ علی رضی الله عنه را فرستاد تا آیات آغازین سوره‌ی توبه را برای مردم بخواند؛ پیمان مشرکان را به خودشان بازگرداند و به مردم اعلام نمود که از این سال به بعد، هیچ مشرکی به حج نمی‌آید و کسی مانند دوره‌ی جاهلیت، برهنه حج نمی‌کند.





حَجَّةُ الْوَدَاعِ	رسول الله ﷺ در سال ۱۰ هـ حَجَّةُ الْوَدَاعِ را به جا آورد؛ بیش یکصد هزار مسلمان از قبایل و سرزمین‌های بسیار، با او همراه شدند. پیامبر ﷺ مناسک حج را به آنان آموخت، در روز عرقه برایشان سخنرانی نمود و این آیه را تلاوت نمود: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [مائده: ۳] اعلام نمود که دین، کامل شد و رعایت قرآن و سنت را به آنان سفارش کرد، خون، مال و آبروی آنان را بر یکدیگر حرام نمود. این خطبه‌ی وداع پیامبر ﷺ بود.
فرستادن	پیامبر ﷺ در صفر سال ۱۱ هـ لشکری را برای جنگ با روم، آماده نمود و أسامة بن زید رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا را فرمانده نمود. سپاه روانه شد و در جرف که اردوزد، خبر بیماری پیامبر ﷺ به آنان رسید.



خلاصه‌ی غزوه‌های پیامبر ﷺ

همه‌ی غزوه‌ها و سریه‌های پیامبر ﷺ بعد از هجرت و در مدت ده سال روی داد. سریه‌ها و گروه‌هایی که گسیل می‌داشت، حدود ۶۰ مورد و غزوه‌ها ۲۷ مورد بود. پیامبر ﷺ در این نه غزوه شرکت داشت: بدر، احد، خندق، قریظه، مصطلق، خیبر، فتح مکه، حنین، طائف.

بدر: سوره‌ی انفال که سوره‌ی بدر هم می‌نامند.

احد: آخر سوره‌ی آل عمران از آیه‌ی: ﴿وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقْعِدَ لِلْقِتَالِ﴾ [آل عمران: ۱۲۱] تا اندکی پیش از آخر آن.

خندق، بنی قریظه و خیبر: آیات آغازین سوره‌ی احزاب.

بنی نضیر: سوره‌ی حشر.

حدیبه و خیبر: سوره‌ی فتح؛ در سوره‌ی فتح به فتح مکه اشاره شده و در سوره‌ی نصر به آن تصریح شده است.

تبوک: آیاتی از سوره‌ی توبه.

آیاتی که درباره‌ی غزوه‌ها نازل شد

خلاصه‌ی غزوه‌ها و سریه‌های پیامبر ﷺ

پیامبر ﷺ فقط در غزوه‌ی احد زخمی شد. در غزوه‌های بدر، احد و حنین، فرشتگان به‌همراهش جنگیدند؛ فرشتگان در غزوه‌ی خندق، مشرکان را به لرزه انداختند و شکست دادند. در همین غزوه، فرشتگان سنگریزه‌ها را به صورت مشرکان زدند و آنان گریختند. در دو غزوه‌ی بدر و حنین، پیروز شد، فقط در غزوه‌ی طائف از منجنیق استفاده نمود، فقط در نبرد احزاب، خندق را با مشورت سلمان فارسی رضی الله عنه حفر کردند.

بی‌ماری و وفات پی‌امبر ﷺ

الله تعالیٰ به پیامبرش ﷺ میان دنیا و دیدار با پروردگار، حق انتخاب داد؛ وی دیدار الله و رفتن به بهشت را برگزید. پیامبر ﷺ به سختی بیمار شد. وی از همسرانش خواست که در خانه‌ی عائشة رضی الله عنها بگذرانند. همگی اجازه دادند. وقتی پیامبر ﷺ نتوانست برای نماز به مسجد برود، به ابوبکر رضی الله عنه دستور داد که نماز را برای مردم اقامه کند و این‌گونه بود که شایستگی وی را برای خلافت و جانشینی بعد از خود، نشان داد.

در صبح دوشنبه ۱۲ ربیع الأول سال ۱۱ هـ پیامبر ﷺ به طرف مردم نماز گزار رفت، پرده را بالا گرفت و در را باز کرد تا او را دیدند؛ به آنان لبخند زد و اشاره نمود که نماز را ادامه دهند. هوا که گرم‌تر شد، پیامبر ﷺ وفات نمود.

وفاتش، بزرگ‌ترین مصیبتی بود که بر مسلمانان وارد آمد و مسلمانان بدین‌خاطر، بسیار اندوهگین شدند.

مردم پیرامون ابوبکر رضی الله عنه جمع شدند و با او بیعت خلافت دادند؛ هیچ کساز بیعت کردن با وی، سرپیچی نکرد؛ زیرا همگی از پیش‌تاز بودن او در اسلام و برتری‌اش بر دیگر مسلمانان آگاه بودند.

سپس پیامبر ﷺ را غسل دادند و در سه پارچه‌ی سفید کفن کردند و در همان جایی که وفات یافته بود، یعنی خانه‌ی مادرمان عائشة رضی الله عنها، دفن نمودند؛ این قانون الله است که پیامبرانش هر جا از دنیا رفتند، دفن شوند. جن و انسان بر او نماز جنازه خواندند. سلام و صلوات الله بر محمد ﷺ باد و گواهی می‌دهیم که امانت الاهی را به‌انجام رسانید و امت را ارشاد نمود و در راه الله، به شایستگی جهاد فرمود. الله متعال او را به‌خاطر امتش پاداش دهد؛ پاداشی بهتر از هر پیامبر دیگر. والحمد لله رب العالمین.

بی‌ماری و وفات پی‌امبر ﷺ

پایان:

حسان بن ثابت رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ شاعر رسول الله ﷺ، می‌سراید:

يَا رَبِّ! فَاجْمَعْنَا مَعًا وَنَبِينَا فِي جَنَّةٍ تُثْنِي عُيُونَ الْحَسِيدِ

پروردگارا! ما و پیامبرمان را در بهشتی که چشم حسودان از آن دور است، جمع گردان.

فِي جَنَّةِ الْفِرْدَوْسِ وَاکْتُبْهَا لَنَا يَا ذَا الْجَلَالِ وَذَا الْعُلَا وَالسُّودِ

در جنة الفردوس؛ آنرا برایمان مقدر بفرما ای صاحب شکوه و بلندئ و قدرت.

صَلِّ الْإِلَٰهَ وَمَنْ يَعُفُّ بِعَرْشِهِ وَالطَّيِّبُونَ عَلَى الْمُبَارَكِ أَحْمَدِ

الله و تمامی فرشتگانی که پیرامون عرش او می‌گردند و تمامی پاکان، بر محمد ﷺ درود می‌فرستند.

آزمون سوم

سؤال: درست نادرست

- ☐ ☐ چوپانی پیامبر ﷺ موجب صبر او و مهربانی‌اش به ضعیفان و توجه به آنان شد.
- ☐ ☐ پیامبر ﷺ که ۴۰ ساله شد، نور نبوت در او درخشید الله تعالی در روز جمعه او را با مقام رسالت گرامی داشت.
- ☐ ☐ آزار قریش نسبت به رسول ﷺ شدت یافت؛ او و خانواده‌اش را سه سال در شعب ابوطالب محاصره کردند. پیامبر ﷺ در ۴۹ سالگی از محاصره خارج شد.

- ☐ پیامبر ﷺ در مکه، ... متولد شد: ☐ در عام الفیل ☐ ۵۳ سال پیش از هجرت ☐ هر دو
- ☐ در آغاز وحی، پیامبر ﷺ: ☐ خلوت را دوست داشت ☐ رؤیای صادقه بود ☐ هر دو
- ☐ وحی چند مرتبه دارد؟ ☐ پنج ☐ هفت ☐ سه
- ☐ دعوت پیامبر ﷺ چند مرتبه دارد؟ ☐ دو ☐ سه ☐ پنج
- ☐ پیامبر ﷺ با روح و جسم خویش به مسجد الأقصی رفت و از آن جا با به آسمان‌ها، به سوی الله ﷻ بالا رفت؛ الله با او سخن گفت و نماز را فرض نمود:
- ☐ جسمش ☐ روحش ☐ جسم و روحش
- ☐ نخستین مسجد در اسلام: ☐ مسجد الحرام ☐ مسجد نبوی ☐ مسجد الأقصی ☐ مسجد قباء
- ☐ تغییر قبله: ☐ در مکه و قبل از هجرت ☐ در سال دوم هجری ☐ در سال سوم هجری
- ☐ غزوه‌ی بدر در رمضان سال بود: ☐ دوم هجری ☐ سوم هجری



نخستین کسانی که ایمان آوردند:	علی بن ابی طالب	بلال بن رباح	زید بن حارثه	أبو بکر صدیق
از مردان	☐	☐	☐	☐
از کودکان	☐	☐	☐	☐
از خادمان	☐	☐	☐	☐
از بردگان	☐	☐	☐	☐

سرپرستی پیامبر ﷺ:	أبو طالب	عبد المطلب	حدود ۸ سالگی	عبد الله بن عبد المطلب	۷ سالگی
جدش، سرپرست او شد	☐	☐	☐	☐	☐
سپس وفات یافت و پیامبر ﷺ	☐	☐	☐	☐	☐
عمویش سرپرست او شد	☐	☐	☐	☐	☐
در شکم مادر بود	☐	☐	☐	☐	☐
در زمان وفات مادر	☐	☐	☐	☐	☐

غزوها و سریه‌های پیامبر ﷺ:	ده سال	۶۰ سالگی	بیست و هفت	نُه تا از آنها	یک غزوه
همه‌ی سریه‌های بعد از هجرت، در مدت:	☐	☐	☐	☐	☐
تعداد سریه‌ها:	☐	☐	☐	☐	☐
تعداد غزوها:	☐	☐	☐	☐	☐
در... جنگید:	☐	☐	☐	☐	☐
در... زخمی شد:	☐	☐	☐	☐	☐



فهرست موضوعات

۳		❖ مقدمة كتاب
۶		❖ اوصاف زیبای پیامبر ﷺ
۱۴		❖ آزمون اول
۱۷		❖ رهنمود پیامبر ﷺ
۲۲		❖ آزمون دوم
۲۶		❖ برخی از خصایص پیامبر ﷺ
۲۹		❖ پیامبر ﷺ و همسرانش
۳۴		❖ سیرت پیامبر ﷺ پیش از بعثت
۳۶		❖ آغاز وحی
۴۰		❖ دوران مکی
۴۳		❖ دوران مدنی
۵۱		❖ چکیده غزواتش
۵۲		❖ بیماری و وفات پیامبر ﷺ
۵۴		❖ آزمون سوم
۵۶		❖ فهرست موضوعات